

اگرچه . نامه

مجله تحقیقات ایران شناسی

سال بیست و پنجم، شماره ۳

پاییز ۱۳۸۸

پیشگفتار

انتخابات اخیر ریاست جمهوری اسلامی به رویدادهای و دگرگونی‌هایی قابل توجه در عرصه عمومی جامعه، از سوئی، و در مناسبات سیاسی درونی نظام حاکم، از سوی دیگر، انجامیده است. همانند چنین تحولاتی را، با توجه به ماهیت، ابعاد و گستره آن، در دوران سی و یک ساله عمر رژیم مشکل بتوان یافت. این انتخابات در نفس خود تفاوت چندانی با هیچ یک از انتخابات گذشته مجلس شورای اسلامی، و ریاست جمهوری نداشت. زیرا در نبود احزاب سیاسی و سندیکاهای کارگری مستقل و مطبوعات آزاد، که از لوازم انکارناپذیر مشارکت واقعی شهروندان در انتخابات و فرایند تصمیم‌گیری سیاسی است، انجام گرفت و تنها کسانی توانستند به عنوان نامزدهای رسیدن به این مقام در انتخابات شرکت کنند که از صافی شورای نگهبان جمهوری اسلامی، که خود

در عمل نماینده رهبر نظام و مجری خواست‌های اوست، گذشته باشند. با این همه، این بار نیز، شماری بزرگ از مردم ایران، به امید انتخاب شدن نامزدهائی که بتوانند دستکم برخی از خواست‌های آنان را برآورند، در انتخابات شرکت کردند.

نتایج و پیامدهای انتخابات، اما، مانندی در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران نداشته است. شبههٔ تقلب، و دخالت‌های آشکار و پنهان غیرقانونی مأموران دولتی، در انتخابات، در صندوق‌های رأی و در شمارش آن‌ها به بازتاب‌های کمابیش بی‌مانند انجامید. برای نخستین بار در تاریخ انتخابات جمهوری اسلامی نامزدهای بازنده سخن از تقلب گستردهٔ دولتی در مراحل گوناگون انتخابات راندند و، خواستار تجدید آن شدند. رأی‌دهندگان سرخورده و ناراضی از نتایج انتخابات دست به راه‌پیمائی‌ها و اعتراض‌های گسترده، که کمابیش هنوز نیز در شکل‌های گوناگون ادامه دارد، زده‌اند و برای نخستین بار آشکارا نه تنها رهبر بلکه حکومت اسلامی را آماج انتقادات و شعارهای تند خود کرده‌اند. مهمتر از همه، آثار اختلاف نظرهای عمده میان رهبران و کارگزاران سابق و لاحق حکومت اسلامی به گونه‌ای بی‌سابقه هویدا شده است.

واکنش رهبران حاکم به جنبش اعتراضی عمومی و به انتقادات و مواضع ستیزه‌جویانهٔ همکاران سابق خویش نیز در خشونت‌های بی‌سابقه و گسترده مأموران انتظامی و نیروهای گوناگون سرکوب و ارباب رژیم تجلی یافته است. از رهگذر وسائل گوناگون ارتباطی، خبرها و تصاویر این خشونت‌ها و انتقام‌جوئی‌ها در رسانه‌های بسیاری از کشورهای جهان انعکاس یافته و افکار عمومی این کشورها را برآشوبیده و نهادهای بین‌المللی ناظر بر نقض حقوق بشر را به واکنش‌های پیگیر برانگیخته است. تردید نمی‌توان کرد که گستردگی واکنش‌های بسیاری از مردم جهان بر رفتار بسیاری از اعضای جامعهٔ بین‌المللی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز آثاری قابل ملاحظه بر جای گذاشته است.

نحوهٔ برگزاری انتخابات و نتایج آن را به یقین می‌توان از عوامل مستقیم و بلافاصلهٔ انفجار احساسات و اعتراض‌های گسترده و کمابیش غیرمنتظرهٔ مردم ایران شمرد. اما، ریشه‌های چنین خیزشی را باید، همانند دیگر خیزش‌های گسترده اجتماعی، در رویدادها و روندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه جست. تنها در پس سرخوردگی‌های مکرر و ناکامی‌های انباشته شده و خشم و ناامیدی‌های ناشی از آن است که آتش خشم مردمان را جرقه‌ای هم می‌تواند

شعله‌ور کند. بسیاری از شماره‌های گذشته ایران نامه به بررسی و تفسیر گوشه‌های گوناگون تاریخ معاصر ایران و پیامدهای استقرار نظام جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف زندگی مردم ایران اختصاص یافته بودند. در این شماره که در دو بخش پی در پی انتشار خواهد یافت، پژوهشگران و نویسندگان همکار، ویژگی‌های عمده برنامه‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی و پیامدهای داخلی و خارجی آن در سی سال گذشته را در مجموع مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند.

بی‌اعتنائی آشکار قانون اساسی جمهوری اسلامی به ضرورت تأمین و تضمین آزادی‌ها و حقوق ابتدائی و مسلم مردم ایران در تعبیه ساختار سیاسی و شیوه‌های تصمیم‌گیری دولتی و به ویژه در تعیین وظائف و اختیارات نظام دادگستری و در تدوین قوانین مدنی و کیفری دادرسی در نوشته عبدالکریم لاهیجی بازتابی گسترده یافته است. مهدی مظفری، با تأکید بر نقش فزاینده ایدئولوژی در تعیین هدف‌ها و سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی، کارنامه رفتار و روابط آن با اعضای جامعه بین‌المللی به ویژه با کشورهای غربی و همسایگان ایران را بررسی کرده و به پیامدهای منفی این سیاست‌ها بر منافع ملی و حیثیت و اعتبار ایران در عرصه جهانی و به انزوای روز افزون جمهوری اسلامی در این عرصه پرداخته است. دلایل ادامه و تشدید وضع نابسامان اقتصادی ایران، از جمله افت تولیدات داخلی و افزایش روزافزون نرخ تورم و بیکاری و عقب ماندن ایران از جوامع مشابه در زمینه توسعه و پیشرفت اقتصادی، در نوشته فریدون خاوند، در قالبی تطبیقی، تشریح و تحلیل شده است. پرویز مینا وضع صنایع نفت و گاز ایران را بررسی کرده و، بر پایه داده‌های آماری رسمی دولتی و بین‌المللی، آسیب‌ها و خسارت‌های عمده‌ای را برشمرده که مستقیم و غیرمستقیم پیامد محرومیت ایران از دسترسی به امکانات فنی مدرن و کمبود سرمایه‌گذاری و غیبت مؤسسات نفتی بزرگ جهان در کار اکتشاف و استخراج نفت و گاز بوده است. تلاش جدی، پیگیرانه و عمدتاً پنهانی جمهوری اسلامی برای رسیدن به تکنولوژی هسته‌ای، و بحران فزاینده‌ای که در نتیجه نگرانی‌های جامعه بین‌المللی در مورد هدف نهائی رژیم در این تلاش به وجود آمده، موضوع بررسی و تحلیل جهانگیر آموزگار است. و سرانجام، هائیده مغیثی به تشریح ماهیت مشکلات و محرومیت‌های بی‌شمار زنان ایران در این دوران پرداخته و، با توجه به حقوق و آزادی‌هایی که زنان ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب

اسلامی به دست آورده بودند، ویژگی‌ها و اهمیت جنبش رو به گسترش کنونی زنان را نیز بررسی کرده است.

گزیده‌های این بخش متن بیانیه‌ها و نوشته‌هایی است که معرف مواضع و آراء رهبران جمهوری اسلامی از سوئی و هواداران و پیشگامان جنبش اعتراضی کنونی، از سوی دیگرانند و می‌توانند در پژوهش‌ها و بررسی‌های تاریخ‌نگاران و مفسران این فصل از تاریخ ایران اسناد معتبری به شمار آیند.

میرحسین موسوی

در محکوم کردن رفتار دولت در مراسم عاشورا*

همواره به اینجانب و دوستان گفته می‌شد که اگر شما اطلاعیه ندهید مردم به خیابان‌ها نخواهند آمد و آنان از اعتراضات و مطالبات خود دست برخواهند داشت و آرامش به کشور برخواهد گشت. بنده به عنوان یک همراه جنبش عظیم سبز مردمی با این نظر موافق نبودم و می‌اندیشیدم که تا اصلاحات لازم با تکیه بر اصول روشن که می‌توان آنها را از قانون اساسی استخراج کرد، صورت نگیرد، آب رفته به جوی باز نخواهد گشت.

برای مراسم عاشورای حسینی علیرغم درخواست‌های فراوان، نه جناب حجت‌الاسلام و المسلمین کروبی اطلاعیه دادند و نه حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی اطلاعیه صادر کردند و نه بنده و دوستانم. با این وصف یک بار دیگر مردمی خداجوی به صحنه آمدند و نشان دادند که شبکه‌های وسیع اجتماعی و مدنی که در طول انتخابات و بعد از آن به صورت خودجوش شکل گرفته است، منتظر اطلاعیه و بیانیه نمی‌مانند. در حالی که مردم نه روزنامه همراه و مشوقی در کنار خود داشتند و نه از صدا و سیما، به عنوان رسانه‌ای ملی و بی‌طرف و منصف و عاقل بهره می‌بردند. باز همه ملت‌ها و جهانیان شاهد بودند که در میان طوفانی از تهدیدها و تبلیغات و تکفیرها و اهانت‌ها، عزاداران حسینی در این روز مقدس حسین حسین گویان به صورت مسالمت‌آمیز و بدون شعارهای تند روانه میدان‌ها و مسیرهایی شدند که خود انتخاب کرده بودند و این بار نیز چون دفعات گذشته با اعمال تحریک‌آمیز مواجه شدند، خشونت‌های غیرقابل باور چون زیر کردن راهپیمانان، تیراندازی نیروهای لباس شخصی که امروز هویت آنها بر کسی پوشیده نیست و روز بروز پرده از چهره آنان و سرانشان کنار زده می‌شود، فاجعه‌ای را آفرید که اثرات آن به این زودی از صحنه سیاسی کشورمان رخت برنخواهد بست.

مشاهده فیلم‌های تکان دهنده عاشورا نشان می‌دهد که اگر شعارها و

* بیانیه شماره ۱۷ میرحسین موسوی، برگرفته از کلمه، ۱۱ دی ماه ۱۳۸۸.

حرکات جاهایی به سمت افراط غیرقابل قبول کشانده می‌شود، ناشی از به زیر انداختن افراد بی‌گناه از روی پل‌ها و بلندی‌ها، تیراندازی‌ها و آدم‌زیر کردن‌ها و ترورهاست. جالب آنکه در بعضی از این فیلم‌ها دیده شده است که مردم در پشت چهره نیروهای انتظامی و بسیجی مهاجم برادران خود را می‌بینند و در شرایط بحرانی و پر از خشم و هیاهوی آن روز سعی می‌کنند بدان‌ها آسیبی نرسد. اگر صدا و سیما یک جو انصاف و عقل داشت می‌توانست برای تلطیف فضا و نزدیک کردن مردم به همدیگر گوشه‌ای از این صحنه‌ها را نشان دهد. ولی هیئات! جریان روزهای بعد از عاشورا و گسترش دستگیری‌ها و دیگر تمهیدات دولتی نشان می‌دهد که مسئولان اشتباهات گذشته را این بار در وسعت بیشتر تکرار می‌کنند و آنها می‌اندیشند سیاست ارباب تنها راه حل است.

گیرم که چند روز با دستگیری‌ها، خشونت‌ها، تهدیدها و بستن دهان روزنامه‌ها و رسانه‌ها سکوت برقرار گردید، تغییر قضاوت مردم را نسبت به نظام چگونه حل می‌کنید؟ تخریب مشروعیت را چگونه جبران می‌نمائید؟ نگاه ملامت‌آمیز و متعجب همه جهانیان از این همه خشونت یک دولت به ملت خود را چگونه تغییر می‌دهید؟ با مشکلات بر زمین مانده اقتصادی و معیشتی کشور که به دلیل ضعف مفرط دولت روزبروز وخیم‌تر می‌شود چه می‌کنید؟ با چه پشتوانه‌ای از کارآمدی و انسجام ملی و سیاست خارجی موثر، سایه قطعنامه‌ها و امتیازخواهی‌های بیشتر را در سطح بین‌الملل از سر کشور و ملتمان دور می‌کنید؟

اینان می‌اندیشند با عقب راندن نخبگان و روشنفکران و دانشگاهیان و فعالان از صحنه سیاسی خواهند توانست بدون پرداختن ریشه‌ای به مسائل امروز کشور به دیروز قبل از انتخابات برگردند؟ اما کسانی که تاریخ را خوانده‌اند و کمی با ماهیت پیچیده جوامع آشنایی دارند می‌دانند که این تفکر ناشی از یک توهم واقع‌گریز و پناه بردن به رویکردهای کم‌عمق و گول زنده است.

بنده به صراحت و روشنی می‌گویم فرمان اعدام و قتل و زندانی کروی و موسوی و امثال ما مشکل را حل نخواهد کرد. سخنان روز چهارشنبه میدان انقلاب و قبل از آن نماز جمعه هفته پیش دانشگاه که توسط چهره‌های منتسب به نظام ایراد گردید، نتایج هر نوع اقدام تروریستی را مستقیماً به سمت کانون نشانه خواهد رفت و گره مشکل بحران کنونی را ناگشودنی خواهد ساخت. گوساله و بزغاله خواندن بخش عظیمی از جامعه و خس و خاشاک نامیدن

آنان و مباح کردن خون عزاداران حسینی فاجعه‌ای است که هم اکنون توسط افرادی مشخص و صدا و سیما در جامعه رخ داده است. این چه سخنرانی است که از تریبون دولتی مردم را به جنگ با یکدیگر دعوت می‌کند و یک عده را حزب‌الله می‌نامد و عده‌ای دیگر را حزب‌الشیطان؟ بارها در یک سخنرانی کوتاه اعلام می‌کند مردم توجه کنید جنگ است! آیا این سخنان دعوت به جنگ و شورش داخلی نیست؟ با توجه به استفاده از اصطلاحات مذهبی و اشاره به آیات و روایات، این مراجع عظام و روحانیون فاضل هستند که می‌توانند بگویند با این گونه اشخاص چه می‌توان کرد؟

آنچه به بنده به عنوان یک فرد کوچک این جامعه مربوط می‌شود استقبال از هر هجمه‌ای در راه اسلام و کشور عزیزمان است و سخنان چند روز اخیر، بنده را به یاد کلام امام رحمه الله علیه می‌اندازد که "بکشید ما را، ما نیرومندتر می‌شویم". بنده ابایی ندارم که یکی از شهدایی باشم که مردم بعد از انتخابات در راه مطالبات به حق دینی و ملی خود تقدیم کردند و خون من رنگین‌تر از آن شهدا نیست.

بنده به صراحت می‌گویم تا وجود یک بحران جدی در کشور به رسمیت شناخته نشود، راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد. عدم اذعان به بحران، توجیه‌گر ادامه راه حل‌های سرکوبگرانه خواهد شد. اذعان به وضعیت بحرانی می‌تواند راه حل را نه در سرکوب که بر سر آشتی ملی قرار دهد. تهمت بی‌دینی و همراهی با قدرت‌های بیگانه مستکبر و افراد بدنام و جریان‌های منحوسی چون منافقین به فرض آنکه به حذف فیزیکی تعدادی از خدمتگزاران اسلام و مردم منتهی شود ناشی از چشم بستن به ماهیت مشکلات ملی کشور است. من به عنوان یک دلسوز می‌گویم منافقین با خیانت‌ها و جنایت‌های خود مرده‌اند، شما برای کسب امتیازهای جناحی و کینه‌ورزی آنها را زنده نکنید.

من لازم می‌دانم قبل از آنکه راه‌حل خودم را برای خروج از بحران مطرح سازم، بر هویت اسلامی و ملی و مخالف سلطه بیگانگان و وفادار به قانون اساسی ما و جنبش سبز تاکید نمایم. ما پیروان اباعبدالله حسین علیه‌السلام هستیم. ما شیفتگان حریتی هستیم که منادیش آن امام مظلوم بود. ما پیرو کسی هستیم که در قلمرو وسیع اسلامی ربودن خلخال از پای یک زن را بر نمی‌تابید. ما معتقد به تفسیر رحمانی از اسلام هستیم که انسان‌ها را یا هم کیش هم

می‌دانند و یا همسانانی در خلقت. نگاهی که بر کرامت ذاتی انسان باور دارد و بر نمی‌تابد که ضارب او در زندان با غذایی جز شبیه غذای او نگهداری شود و یا مورد شکنجه و امثال آن قرار گیرد.

بنده و دوستان عزیزم که امروز بسیاری از آنها در زندان‌ها محبوس هستند پای بندگان سرسخت استقلال کشور هستیم و از اینکه بازار اسلامی ما تبدیل به یک بازار مکاره برای کالاهای بیگانه شده است رنج می‌بریم. ما به شدت با فساد موجود که ناشی از سیاست‌های سوء و عدم تدبیر است مخالفیم. ما می‌گوئیم نهاد بزرگ و تاثیرگذاری چون سپاه اگر هر روز چرتکه بیاندازد که قیمت سهام چقدر بالا و پائین رفته نمی‌تواند از کشور و منافع ملی آن دفاع نماید؛ هم خود به فساد کشیده می‌شود و هم کشور را به فساد می‌کشاند. ما می‌گوئیم و حاضریم در مباحثات نشان دهیم که امروز منافع و حقوق مستضعفان و کارگران و کارمندان و سایر اقشار ملت در یک فساد بزرگ در حال غرق شدن است. جنبش سبز مخالف دروغ است و آن را آفتی خانمان برانداز برای کشور می‌داند و از این رو دروغ‌های سیاسی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی و امثال آن را خطری بزرگ برای کشور می‌دانیم.

ما یک دولت و نظام صادق و رئوف و با شفقت و مبتنی بر آراء مردم می‌خواهیم که به تنوع آراء و عقاید مردم نه به شکل تهدید بلکه بصورت یک فرصت نگاه کند. ما سرک کشیدن به زندگی خصوصی مردم، تفتیش عقاید، تجسس، بستن روزنامه‌ها و محدود کردن رسانه‌ها را مخالف دین مترقی و رهایی بخش خود و مخالف قانون اساسی برآمده از این دین می‌دانیم. ما ضایع کردن یک ریال از بیت‌المال را در جهت اهداف بانندی و جناحی حرام می‌دانیم و می‌گوئیم که سند چشم‌انداز ملی بیست ساله که به تایید همه ارکان نظام رسیده است امروز به یک ورق پاره بی‌ارزش تبدیل شده است. ما هشدار می‌دهیم که رقیبان بزرگی در منطقه با رشدهای اقتصادی دو رقمی در حال ظهور هستند و روز به روز قوی‌تر می‌شوند. درحالی که ما متأسفانه از دادن یک بودجه سالانه و نگهداشتن حساب‌های ذخیره ارزی و امانت در سپرده‌های مردم و پاسخ‌گویی در مقابل دیوان محاسبات عمومی و مجلس شورای اسلامی عاجز هستیم.

ما نه آمریکایی هستیم و نه انگلیسی. تا حال نه کارت تبریکی برای روسای کشورهای بزرگ فرستاده‌ایم و نه امید یاری آنها را داریم و می‌دانیم با اصالت قدرت در روابط بین‌الملل هر کشور به دنبال منافع ملی خود است و ما بیزار از

کسانی هستیم که بر عرف و اعتقادات دینی و ملی ملت خود احترام نمی گذارند. و مضحک است که به ما تهمت اهانت به قرآن، عاشورای امام حسین یا پاره کردن عکس حضرت امام قدس سره زده شود. مسلماً حرمت شکنی اگر در روز عاشورا صورت گرفته باشد مورد تایید ما نیست، اما بدترین نوع حرمت شکنی را کشتن بندگان بیگناه و عزادار در روز عاشورا و در ماه های حرام می دانیم .

اما من برآنم که راه حل مشکلات پیش آمده و بحران موجود چنین است؛ وضعیت کشور امروز چون رودخانه خروشان و عظیمی است که سیلاب های تند و حوادث گوناگون باعث طغیان و گل آلود شدن آن شده است. راه آرام کردن این رودخانه بزرگ و روشن ساختن و زلال کردن آب آن در یک اقدام سریع و عاجل امکان پذیر نیست. اندیشیدن به این گونه راه حل ها که عده ای توبه کنند و عده ای معامله کنند و بده و بستانی صورت گیرد تا این مشکل بزرگ حل شود عملاً به بیراهه رفتن است.

بنده راه حل را در روانه ساختن نهرها و چشمه هایی از آب روشن و شیرین به بستر این رودخانه می دانم که به تدریج و طی یک فرآیند تدریجی کیفیت آب و وضع رودخانه را تغییر دهد. و نیز اعتقاد دارم که هنوز دیر نشده است و نظام ما آن قدرت را دارد که در صورت تدبیر و در صورت داشتن یک نگاه احترام آمیز و توأم با ملاحظت به همه ملت و اقشار آن این مهم را بانجام برساند. بنده تعدادی از این راه حل ها را که چون نهرها و چشمه هایی از آب روشن می تواند فضای ملی را تحت تاثیر قرار دهد و اوضاع را به سمت بهبود ببرد، بیان می کنم:

۱- اعلام مسئولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه به نوعی که از دولت حمایت های غیر معمول در مقابل کاستی ها و ضعف هایش نشود و دولت مستقیماً پاسخ گوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. به یقین اگر دولت کارآمد و محق باشد خواهد توانست جواب مردم و مجلس را بدهد و اگر بی کفایت و ناکارآمد بود مجلس و قوه قضائیه در چارچوب قانون اساسی با او برخورد خواهند کرد.

۲- تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخابات ها به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه و بدون خدعه و دخالت قانع سازد. این قانون باید شرکت همه ملت را علیرغم تفاوت در آراء و اندیشه ها تضمین کند و جلوی دخالت های سلیقه ای و جناحی دست اندرکاران نظام را در همه سطوح منتفی

سازد. مجالس اولیه انقلاب می‌تواند به عنوان الگویی مورد توجه قرار گیرند.

۳- آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها. بنده یقین دارم که این اقدام نه به ضعف که به درایت نظام تعبیر خواهد گشت. و نیز آگاهیم که جریان‌های سیاسی منحطی با این راه حل مخالف هستند.

۴- آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و اجازه نشر مجدد روزنامه‌های توقیف شده جزء ضروریات روند بهبود است. ترس از آزادی مطبوعات باید از بین برود و تجربیات جهانی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. گسترش کانال‌های ماهواره‌ای و اهمیت یافتن آنها و تاثیرگذاری قاطع این رسانه که به‌خوبی ناکافی بودن روش‌های قدیمی و محدودیت صدا و سیما را می‌رساند. پارازیت‌ها و محدودیت‌های اینترنتی می‌تواند برای مدت کوتاهی اثرگذار باشد. تنها راه چاره داشتن رسانه‌هایی متنوع و آگاه و آزاد در داخل کشور است. آیا زمان آن نرسیده است که با اقدامی شجاعانه و ناشی از اعتماد به متفکران و نیروهای خلاق جامعه، نگاه‌ها را از آنسوی مرزها به شکوفایی خلاقیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی داخلی برگردانیم؟

۵- برسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکل‌ها و پایبندی به اصل ۲۷ قانون اساسی. اقدام در این زمینه که می‌تواند با درایت و همکاری همه علاقمندان به کشور صورت گیرد در طول چند ماه می‌تواند فضایی توأم با دوستی و محبت ملی را جایگزین درگیری سازمان بسیج و نیروهای امنیتی با مردم و یا درگیری مردم با مردم نماید.*

~~بهدی کزوبی~~

~~دربارهٔ سرکوبی تظاهرات ۲۲ بهمن ۱۳۸۸*~~

~~از حضور فراگیر و گسترده شما به رغم فشارهای امنیتی و فضای بسته سیاسی حاکم در مراسم ۲۲ بهمن امسال عمیقاً سپاسگزارم. امسال اگرچه مراسم ۲۲ بهمن با دعوت همه جناح‌های سیاسی و شخصیت‌ها و مراجع عظام، با امید گشایش روزنه‌هایی به سوی حل بحران و مشکلات ملی انجام پذیرفت، اما~~

- سازد. مجالس اولیه انقلاب می‌تواند به عنوان الگویی مورد توجه قرار گیرند.
۳. آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها. بنده یقین دارم که این اقدام نه به ضعف که به درایت نظام تعبیر خواهد گشت. و نیز آگاهیم که جریان‌های سیاسی منطقی با این راه حل مخالف هستند.
۴. آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و اجازه نشر مجدد روزنامه‌های توقیف شده جزء ضروریات روند بهبود است. ترس از آزادی مطبوعات باید از بین برود و تجربیات جهانی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. گسترش کانال‌های ماهواره‌ای و اهمیت یافتن آنها و تاثیرگذاری قاطع این رسانه که به خوبی ناکافی بودن روش‌های قدیمی و محدودیت صدا و سیما را می‌رساند. پارازیت‌ها و محدودیت‌های اینترنتی می‌تواند برای مدت کوتاهی اثرگذار باشد. تنها راه چاره داشتن رسانه‌هایی متنوع و آگاه و آزاد در داخل کشور است. آیا زمان آن نرسیده است که با اقدامی شجاعانه و ناشی از اعتماد به متفکران و نیروهای خلاق جامعه، نگاه‌ها را از آنسوی مرزها به شکوفایی خلاقیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی داخلی برگردانیم؟
۵. برسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکل‌ها و پایبندی به اصل ۲۷ قانون اساسی. اقدام در این زمینه که می‌تواند با درایت و همکاری همه علاقمندان به کشور صورت گیرد در طول چند ماه می‌تواند فضایی توأم با دوستی و محبت ملی را جایگزین درگیری سازمان بسیج و نیروهای امنیتی با مردم و یا درگیری مردم با مردم نماید.*

مهدی کُروبی

دربارهٔ سرکوبی تظاهرات ۲۲ بهمن ۱۳۸۸*

از حضور فراگیر و گسترده شما به رغم فشارهای امنیتی و فضای بسته سیاسی حاکم در مراسم ۲۲ بهمن امسال عمیقاً سپاسگزارم. امسال اگرچه مراسم ۲۲ بهمن با دعوت همه جناح‌های سیاسی و شخصیت‌ها و مراجع عظام، با امید گشایش روزه‌هایی به سوی حل بحران و مشکلات ملی انجام پذیرفت، اما

*برگرفته از گویا نیوز، ۲۵ بهمن ۱۳۷۸.

متأسفانه جریان تمامیت خواه و خشونت طلب می کوشد با استفاده از صدا و سیما و رسانه های دولتی و شبه دولتی خود، با بی اخلاقی تمام و وارونه سازی واقعیت و پنهان کردن وحشی گری های جانبی و فضای امنیتی حاکم بر این راهپیمایی، آن را به نفع خود مصادره کند. جریان خشونت طلب می خواهد از این راهپیمایی که با حضور عظیم اصلاح طلبان و اصول گرایان امکان پذیر شد، برای پاک کردن آثار ناشی از زندانی کردن ها و جنایت ها و شکنجه ها و کشتارهای خیابانی بهره برد. می خواهد چادری از مغلظه و کژنمایی بر این جنایات و وحشی گری های خود بکشد.

راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال در حالی برگزار شد که نیروی های نظامی و امنیتی، تهران را به یک پادگان تبدیل کرده بودند. آن ها با هر حرکت و نشانه ای از عدم موافقت با وضع موجود، به شدت برخورد می کردند و آن را خفه می کردند. طرفه آن که، حتی یک تصویر از این همه لشگر کشی و پرتاب نارنجک های اشک آور و ضرب و شتم شما مردم، در رسانه های داخلی نشان داده نشد! گویا چشمانشان، با پرده هایی از گمراهی پوشیده شده که گمان می کنند که توانسته اند بر خاطره جمعی مردم پرده فراموشی بکشند و با مصادره تمام و کمال این مراسم ملی و مذهبی و انقلابی به نفع خود، مستمسکی برای ادامه جریان «سلب حقوق حقه مردم» فراهم کنند. حال آن که بدون دعوت جریان های سیاسی و حضور مردمی، راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، به راهپیمایی بی رمق یکان های نظامی و امنیتی تبدیل می شد و امکان چنین بهره برداری تبلیغاتی برای ایشان فراهم نمی آمد.

همه ما می دانیم که حضور شما مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، به یقین نه به دلیل علاقه تان به سیاست های سرکوب و پرکردن زندان ها که به دلیل علایق ملی و عشق تان به ایران، انقلاب و امام بود. شما مردم خوب کشورمان در راهپیمایی سالگرد انقلاب اسلامی شرکت نکردید تا با کتک زدن مردم بیعت کنید. شما مردم مومن کشور ما بهتر از هر کسی می دانید که ریختن خون بی گناهان با مبانی دین و اخلاق تان سازگار نیست. مگر مولای ما علی (علیه السلام) برای تقویت حکومت خود زندان هایش را پر می کرد؟ شما مردم شهید داده کشورمان، راضی به سرپوش گذاشتن روی جنایات کهریزک و مجتمع سبحان و خوابگاه های دانشجویی و بی حرمتی به مراجع نیستید و حضور شما در راهپیمایی ۲۲ بهمن هم، تاییدی بر آن جنایات نبوده است. با

این حال کسانی که حداکثر تلاش خود را برای مهندسی تظاهرات ۲۲ بهمن به کار بردند و از سراسر کشور با صدها اتوبوس و قطار نیرو به تهران اعزام کردند، باید دلیل خالی ماندن میدان آزادی را به هنگام سخنرانی، علی‌رغم استفاده از این همه نیرو و بسیج نیروهای انتظامی و نظامی خود توضیح دهند. مگر می‌شود تصور کرد که مردمی چنین فهیم، دلیل حضور ده‌ها هزار نفری نیروهای نظامی و انتظامی در خیابان‌ها را ندانند؟ آیا فکر می‌کنند مردم فشار نیروهای انتظامی و لباس‌شخصی‌ها با قمه و باتوم و گاز فلفل، برای جلوگیری از پیوستن خدمتگزاران نظام و ایران به خیل خروشان‌شان را نمی‌بینند؟ آیا تصور می‌کنند که مردم متوجه ترس و ضعف حاکمیت نشده‌اند؟

مردم عزیز، حضور شما در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال قابل تحلیل نیست، مگر آن که صف‌آرایی‌های دو گرایش عمده در این تظاهرات، مستقل از هم، نمایش داده و ارزیابی شود. ما با دوگرایش روبرو هستیم. یکی گرایشی است که از حق اجتماع و راهپیمایی مردم که در اصل ۲۷ قانون اساسی نیز بر آن تصریح شده، می‌هراسد و برای همین روز راهپیمایی ملی، تهران را به پادگان تبدیل می‌کند. گرایشی که فقط حضور طرفداران خود را در راهپیمایی برمی‌تابد و ملت را مجموعه‌ای از افراد طرف‌دار و تابع خود می‌داند و بقیه مردم را، حتی اگر اکثریت نیز باشند، خس و خاشاک می‌خواند. اما سوی دیگر، گرایشی است که شما را با همه تنوع و رنگارنگی اعتقادی‌تان، فارغ از ویژگی‌های جنسیتی و قومیتی و فرهنگی و طبقاتی، به رسمیت می‌شناسد. گرایشی که مردم را نه صرفاً به میدان آزادی، بلکه به نشستن سر سفره آزادی فرامی‌خواند. لذا برای از میان رفتن پرده‌های گمراهی از جلوی دیدگان جریان تمامیت‌خواه، براساس آموزه‌های مرادم امام خمینی(ره)، دو پیشنهاد دارم.

پیشنهاد اولم این است که همان‌طور که حضرت امام در سال ۱۳۴۱ فرمود «حاکمیت یک میتینگ در یکی از میادین بزرگ تهران برگزار کند، به ما هم در بیابان و کویر قم اجازه میتینگ بدهند»، می‌خواهم براساس حق مسلم مردم، طبق اصل ۲۷ قانون اساسی، مجوز بدهند که در میدانی از تهران راهپیمایی از طرف ما برگزار شود تا اقلیت و اکثریت مشخص شود. امنیتش را هم خودمان تامین می‌کنیم و تضمین می‌دهیم که این راهپیمایی با پرهیز از هرگونه شعار ساختارشکن برگزار شود؛ یک راهپیمایی آزاد، آن‌هم یک‌بار برای همیشه، تا وزن هر گرایش در جامعه ما، بی‌فشار و تهدید روشن شود.

اما پیشنهاد دوم: درحالی که جریان تمامیت خواه می خواهد راهپیمایی ۲۲ بهمن را به فراندومی برای تایید سیاست های خشونت آمیز و ضد مردمی خود تبدیل کند، پیشنهاد می کنم که براساس اصل ۵۹ قانون اساسی، فراندومی برای برون رفت از بحران برگزار شود تا به حاکمیت شورای نگهبان پایان دهد. دخالت هایی که به نام نظارت استصوابی، حاکمیت مردم را نشانه گرفته است و حتی از نظارت استصوابی هم پا را فراتر گذاشته است. این دخالت هاست که مانع برگزاری یک انتخابات آزاد ریاست جمهوری و تشکیل یک مجلس خبرگان و شورای اسلامی مستقل می شود. این چگونه مجلس مستقلی است که نمایندگان ملتش، از ترس نظارت شورای نگهبان، مجبورند که هر بار بیانیه هایی برای محاکمه دلسوزان کشور تنظیم می شود، آن را امضا کنند؟ کارنامه انتخابات دهم ریاست جمهوری نشان داد که این، تنها فراندوم است که می تواند راهگشای ما برای عبور از این تنگناها باشد. در کنار حضور مجلسی مستقل است که اصول مربوط به منافع و حقوق اساسی ملت مانند آزادی رسانه ها و مطبوعات، اصلاح شرایط برگزاری دادگاه های سیاسی و ... هم تامین می شود. و نیز این گونه مجلسی، فارغ از سایه حاکمیت شورای نگهبان است که وزن نیروهای سیاسی در جامعه را روشن خواهد کرد، نه جوسازی و تمهیدات دولتی و هزینه های میلیاردی، چنان که در ۲۲ بهمن امسال دیدیم.

به مناسبت نوروز ۱۳۸۹*

پیشاپیش تبریک می گویم فرارسیدن عید نوروز باستانی و سال جدید را، و انشالله امیدواریم سال جدید سالی پر خیر و برکت و آرامش همراه با اجرای قانون و رعایت حقوق شهروندان باشد. سالی که در روزهای پایانی هستیم سال تلخی شد البته از نعمت های خدا سپاسگزاریم اما به هر جهت حوادث خوبی پیش نیامد. بجای اینکه یک انتخاباتی موجب آرامش و اطمینان خاطر شود، موجب شوق و شور و شعف شود، تبدیل شد به زندان و کشتار و حوادث سختی که در موارد و مواقع مختلف پیش آمد. تا ۲۲ خرداد همه امور بخوبی پیش می رفت و تا برگزاری انتخابات خیلی خوب بود و شاهد حضور گسترده مردم

* برگرفته از گویا نیوز، چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۸۸.

بودیم اما حوادث بعدی، که قطعاً حوادث بی‌سابقه‌ای در جمهوری اسلامی ایران بود، تلخ و تاسف‌بار بود. اینکه تعداد زیادی از مسئولان گذشته نظام از وزیر و وکیل و مدیر و... به دلیل فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی همراه با افرادی از دیگر اقشار اجتماعی پس از اعلام نتیجه انتخابات به این وسعت و گستردگی بازداشت و زندانی شوند، یا فضای کاری مطبوعات سخت و بیش از ده روزنامه طی این مدت توقیف و تعطیل شود و حوادث غیرقابل تصور دیگری که رخداد و مجال ذکر آنها نیست و همه به آن واقفید. امیدواریم بعد خسارت وارده جبران شود و منظورم بیشتر خسارت‌های معنوی و حیثیتی است که به افراد و اشخاص وارد شده است.

این روزها بین روز پیروزی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی قرارداد و به روز جمهوری اسلامی نزدیک می‌شویم و کمتر از بیست روز به روز رای دادن و همه پرسی در سال ۵۸ مانده است. لازم می‌دانم چند جمله‌ای راجع به این روز جمهوری اسلامی بیان کنم. امام خمینی در دوران مبارزه و انقلاب وعده‌هایی به مردم داد. امام در صحبت‌ها و اعلامیه‌هایش همیشه خطابش به مردم بود و به رای و نظر مردم تکیه می‌کرد و وعده برقراری جمهوری می‌داد فلذا وقتی حکم تشکیل دولت موقت را می‌دهد تصریح می‌کند چون مردم مرا به عنوان رهبر انتخاب کرده‌اند این حکم را می‌دهم. و به همین دلیل امام پس از پیروزی انقلاب برخلاف رویه جاری در دیگر انقلاب‌ها بلافاصله برای تعیین نوع نظام به رای مردم رجوع کرد. در آن موقع کشور هنوز فاقد نهادهای امنیتی و پلیسی مستقر بود اما در یک چنین شرایطی امام بر انجام همه‌پرسی و رای مردم تاکید کرد و ۹۸/۲ درصد رای به جمهوری اسلامی دادند و گاهی برخی می‌گویند مردم رای دادند اما نمی‌دانستند به چه رای می‌دهند اما بنظرم این درست نیست اما قطعاً آنچه امروز هست آن نیست که مردم به آن رای دادند. این مائیم که آمدیم با اعمال سلیقه و عملمان جمهوریت و اسلامیت را به اینصورت در آوردیم

اوضاع ما متأسفانه به همین صورتی شده است که شاهدش هستیم. شما می‌خواهید که کنگره تشکیل دهید اما اجازه نمی‌دهند و این جای سؤال بسیار دارد و ایضا نسبت به بقیه امور، آن جمهوری اسلامی که مردم رای دادند آنی نیست که الان هست. ما نه جاسوسیم و نه برانداز و... و آنهایی که این نسبت‌ها را به ما می‌دهند خود به‌خوبی می‌دانند که اینها ناروا و دروغ و تهمت و بهتان

است. ما به دنبال همان جمهوری اسلامی واقعی که مردم در سال ۵۸ به آن رای دادند، هستیم. من روحانی هستم، سابقا در کوچه و خیابان مردم به روحانی احترام می‌گذاشتند و بعضا متلکی هم می‌گفتند اما خدا شاهد است من امروز از این تبلیغات دروغ و تهمت و نسبت‌هایی که می‌دهند به اندازه آن متلک گفتن‌ها ناراحت نمی‌شوم چرا که خودم می‌دانم ضد انقلاب و نظام نیستم، عامل بیگانه هم نیستم و نمی‌دانم اینها که اینها را می‌گویند و می‌نویسند چطور می‌خواهند جواب خدا را بدهند؟ اینها به دیگران همینگونه حمله می‌کنند. دو دفعه به در خانه ما آمده‌اند و بار دوم به در خانه جدید ما که هنوز ساکن آنجا نشده‌ایم، آمدند و مزاحم مردم و همسایه‌ها شدند و به در و دیوار رنگ پاشیدند و شعار نوشتند و دوربین‌های مدار بسته مجتمع را به سرقت بردند و شیشه‌های ساختمان را شکستند و به خانم یکی از همسایه‌ها توهین کردند. آیا این وضع برای جمهوری اسلامی ننگ نیست؟ آیا اینها برای نظام خوب است و آبرو و اعتبار می‌آورد؟ مگر این نظام ملک‌طلق افرادی خاص است که هر کاری دلش خواست بکنند و امنیت روحی و روانی و مادی را از دیگران سلب کنند؟ و آدم از اینها متاثر و متاسف می‌شود.

ما در تاریخ می‌خوانیم وقتی دکتر فاطمی را پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ در تجریش گرفتند در راه که او را می‌بردند به فرمانداری نظامی مشتی اراذل و اوباش به او حمله کردند و دکتر فاطمی را زدند و مجروح و خونین کردند، چطور آنها اراذل و اوباش بودند اما اینها با این کارهاشان نیستند؟ پس این وضعیت مصیبت مضاعف است . . . واقعا آدم متاثر و متاسف می‌شود که اینها از همه مفاهیم و معانی دینی استفاده ابزاری می‌کنند و آنها را وارونه نشان می‌دهند و با این روشها جمهوری اسلامی با آن پشتوانه عظیم مردمی به این روز سیاه افتاده است. ما معتقدیم که نظام جمهوری اسلامی ایران حاصل انقلابی بزرگ است و باید بماند . . . بله با زور و قلدری می‌شود مردم را ساکت و کنترل کرد اما اداره نه. ما می‌خواهیم جمهوری اسلامی را حفاظت کنیم، ساختارشکن هم نیستیم. ما اینجور افراد سیاسی و روزنامه‌نگار و... را بازداشت و زندانی کردن، مطبوعات را بستن، سانسور و خفقان را حاکم کردن قبول نداریم و اینها جز آزادی‌کشی و استبداد نامی ندارد و هیچ قرباتی هم با جمهوری اسلامی‌ای که امام می‌خواست و در قانون اساسی تعریف و تبیین شده، ندارد.

نه ما وابسته به بیگانه‌ایم و نه شما، اما اتفاقا این شمائید که با این

عملکرد آب به آسیاب دشمن می‌ریزد و با خشونت‌هایتان برای آنها خوراک تبلیغاتی فراهم می‌آورید. از قدیم گفته‌اند دوست نادان از دشمن دانا خطرناک‌تر است. اینها چون قدرت و امکانات دستشان است و داشتن قدرت هم شیرین است و لابد حفظش هم به هر قیمت واجب! هر حرفی را می‌زنند و هرفردی را بخواهند به اینجا و اونجا وصل می‌کنند. در زمان انقلاب که بی بی سی اخبار را انتشار می‌داد و بگونه‌ای به پیشبرد انقلاب کمک می‌کرد اشکالی نداشت اما حالا انتشار اخبار اشکال دارد؟ اگر اینگونه استدلال شود پس باید حق را به شاه داد که می‌گفت انقلاب را بی بی سی راه انداخت و وحدت ارتجاع سرخ و سیاه، چطور حرف‌های شاه نادرست بود اما حرف‌هایی که با همان منطق و محتوا از زبان شما گفته می‌شود درست است؟ . . . این که دائم دم از وحدت زده شود کافی نیست بلکه لازمه تحقق این شعار داشتن سعه صدر است و اینکه انقلاب و نظام را متعلق به همه مردم و ۷۵ میلیون شهروند ایرانی بدانیم و الان هم بنده اعلام می‌کنم که این دولت مستقر است و مسئولیت دارد و باید پاسخ‌گوی مردم باشد هر چند مشروعیت ندارد و قانونی نیست چون رای مردم را نگرفته است. ما اعلام کرده و می‌کنیم که خواستار اجرای همین قانون اساسی هستیم چون خیلی ظرفیت دارد که مغفول مانده است و برخی اصول و بطور خاص اصولی که در فصل حقوق ملت آمده است در اجرا به فراموشی سپرده شده است منتهی آقایان می‌خواهند با عدول از قانون و با تکیه بر زور و چماق و تهمت امور را به پیش ببرند تا قدرتشان حفظ شود.

به این جهت امیدواریم که اینها در نحوه نگرش و رفتارشان باید تجدید نظر کنند و دریابند که کشور را به نحو دیگر و قانونمند هم می‌شود اداره کرد که همه راضی باشند و بهره برند و آرامشی پویا و نه قبرستانی و استبدادی حاکم شود. ما برای باوریم که کل قانون اساسی باید اجرا شود و نه اینکه یک اصلش وحی منزل تلقی و اجرا شود و بقیه اصول به فراموشی سپرده شود و در مورد امام نیز باید کل سخنان و سیره عملی ایشان ملاک و معیار باشد و نه اینکه با نگاهی خاص سر و ته سخنان ایشان زده شود و به آن استناد شود. ما خواست و نظرمان روشن است و جنبش مردمی هم پس از انتخابات و در اعتراض به نتیجه اعلام شده به راه افتاده است همین خواست را دارد و امیدوارم با صبر و بردباری مردم در سال آینده بتوانیم به این خواست دست یابیم.*

حسینعلی منتظری

در ناسازگاری رفتار حکومت با موازین اسلامی*

... آقایانی که متصدی امور هستند ببینند حضرت مولا امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر چه می گویند. ایشان در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می فرماید: ”با مردم با محبت برخورد کن و آنها را از ته دل و قلبت دوست بدار، به آنها رحم کن و لطف داشته باش؛ و نسبت به مردم مانند یک درنده که آنها را می درد و خوردن گوشت آنها را غنیمت می شمارد مباش. - این کنایه از این است که آنها را تحقیر نکن و آنها را نشکن. - چون مردم دو دسته اند: یا برادر دینی و مسلمان تواند یا مانند تو انسانند - معلوم می شود انسان احترام دارد و باید احترامش حفظ شود. - و اگر آنها لغزشی داشتند و خطایی کردند، یا عمدا یا از روی خطا، آنها را عفو کن همان گونه که انتظار داری خداوند تو را عفو کند.“

هیچ کجا در آیات و روایات عفو نداریم که آنها تقاضای عفو کنند بعد شما زیر آن بنویسید با عفو موافقت می شود. این شکست آنهاست و آنها حاضر نیستند خود را بشکنند. بنابراین وظیفه حکام و آنهايي که قدرت دارند این است که با مردم با گذشت رفتار کنند نه با تندی. بالاخره مردم هم خودشان را آدم حساب می کنند. وقتی بخواهید به مردم زور بگویید، آنها هم زیر بار زور نمی روند و این باعث می شود همیشه درگیری باشد، در نتیجه کشور بحرانی می شود و اختلاف پیش می آید. این که شعارهای تند سر بدهید و مردم را تهدید کنید این کار غلطی است ... مرحوم آیت الله خمینی واقعا به این کشور خدمت کردند، انقلاب کار ایشان بود و ایشان رهبر انقلاب بودند؛ البته معصوم نبودند و اشتباه هم داشتند؛ و نوع مردم قدردان ایشان هستند؛ ولو این که مردم با من و امثال شما مخالف باشند ولی مرحوم امام را مردم قبول دارند. حالا یک کسی در یک جایی کار خلافی کرد و عکس ایشان را پاره کرد، این را ما بیاییم در بوق و کرنا کنیم کار صحیحی نیست. چرا که با این کار دارید آبروی ایشان را می برید و می فهمانید که ملت ایران این گونه اند که عکس امام خمینی را هم

پاره می‌کنند. اصلاً نباید سر و صدای آن را بلند می‌کردید. این که این همه سر و صدا کنید و مردم را به راهپیمایی وادار کنید، اینها کارهای موقت است و پیداست که از اسم ایشان می‌خواهید استفاده ابزاری کنید. وگرنه اگر شما دلسوز ایشان بودید اصلاً نباید عکس‌العمل نشان می‌دادید، این کار اشتباه است. البته ما معصوم نیستیم و اشتباه داریم اما باید مسئولین و بزرگان دقت کنند که از این گونه کارهای اشتباه انجام ندهند. . .

بنابراین مردم باید آزاد باشند و حرفشان را بزنند. از اول انقلاب مرحوم امام می‌گفتند و ما هم به طبع ایشان می‌گفتیم: "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی." "آزادی یعنی مردم آزاد باشند، نه این که دولت آزاد باشد هر کاری دلش خواست انجام دهد اما مردم نتوانند حرفشان را بزنند.

... کار اشتباه را از هر کجا برگردید به نفع است. آمده‌اید انسان‌های متدین و کسانی که در انقلاب بودند و قلمشان و سخنشان در راه انقلاب بود زندان کرده‌اید بعد می‌گویید باید تعهد بدهید، مصاحبه کنید. ما روایات زیادی داریم که این مصاحبه‌ها ارزش ندارد.

من بارها عرض کرده‌ام: آقایانی که می‌گویند "حفظ نظام واجب است" حفظ نظام از واجبات نفسی نیست بلکه حفظ نظام و جوب مقدمی دارد. حفظ نظام برای این است که در سایه نظام دستورات اسلام را اجرا کنیم، نه این که دستورات اسلام را زیر پا بگذاریم به اسم حفظ نظام.*

عبدالله نوری

مروری بر کارنامه جمهوری اسلامی*

یک واقعیت در جهان امروز است که آمریکا بیشترین نفوذ را در سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی مثل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی و بانک جهانی دارد، علاوه بر آن می‌تواند بر تصمیم‌گیری اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف جهان حتی ژاپن و کشورهای همسایه ایران در شرق و غرب و شمال

* برگرفته از عبدالله نوری، شوکران اصلاح، دفاعیات عبدالله نوری، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸.

علی خامنه‌ای

هشدار به مخالفان انقلاب و نظام*

... مساله اساسی، حفظ هویت نظام و مرزها و شاخص‌های آن است و کسانیکه هندسه و هویت نظام را که در قانون اساسی و حکمیت و داوری قانون متبلور شده است قبول دارند جزو مجموعه نظام بشمار می‌آیند اما افرادی که با حرف و عمل و تحریک، این مبانی را زیر پا می‌گذارند به دست خودشان صلاحیت حضور در مجموعه عظیم نظام را از دست می‌دهند. . . اطاعت از "خط و نقشه پروردگار برای سعادت جوامع انسانی"، مرتبه‌ای بالاتر از اطاعت در مسایل و عبادات فردی دارد و تحقق آن نیازمند تلاش جمعی یک ملت است و "جمهوری اسلامی ایران" نیز نتیجه و تبلور اطاعت از راه و هندسه الهی است. . . در نظام‌های اجتماعی غلط و غیرالهی، اقدامات فردی نمی‌تواند کشور و جامعه را به سعادت برساند اما در نظام‌های متکی بر نقشه الهی، تخلفات فردی قابل اصلاح و مشکلات و نقایص قابل رفع است و این واقعیت، اهمیت بی‌نظیر تشکیل نظام مبتنی بر نقشه الهی را در سعادت ملت‌ها اثبات می‌کند. . . وجود نظام اسلامی و آثار پربرکت آن در بیداری و تحرک دنیای اسلام، منافع مستکبران عالم را به خطر انداخته و همه ظالمان و مستبدان جهان را به همدستی و معارضة شدید با جمهوری اسلامی کشانده است لذا همه باید در حفظ و تحکیم نظام و ارکان آن، تمام تلاش خود را به کار گیرند. . . در پرتو نگاه اسلامی، نقش و حضور مردم و مظهر مهم آن یعنی انتخابات، از مسایل اصلی جامعه و کشور به شمار می‌آید و به همین علت انتخابات در جمهوری اسلامی، امری واقعی است نه صوری و تقلیدی. . . اساس انتخابات، حضور مردم و دخالت دادن آرای عامه در مسایل کشور است که این مساله آثار پربرکتی از جمله ناامیدی روزافزون دشمن از مقابله با نظام را به همراه می‌آورد. افرادی با ارتکاب گناهی بزرگ حاضر نشدند در مقابل قانون، "داور و شیوه داوری که قانون تعیین کرده است"، تسلیم شوند. . . در نظام اسلامی برخلاف غالب کشورهای مدعی دموکراسی، باندهای قدرت و ثروت

* سخنرانی در جلسه دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۶ اسفند ۱۳۸۸، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) / کد خبر ۹۸۰۴۴۶

تعیین کننده آرای مردم نیستند و ملت به تشخیص خود تصمیم می گیرد، البته ممکن است این تشخیص در موردی غلط باشد اما به هر حال تصمیم مردم است و باید در مقابل آن تسلیم بود. بهترین شکل استمرار یک نظام اجتماعی تحول در عین ثبات است و بر همین اساس، در جمهوری اسلامی ضمن حفظ ثبات و هندسه اصلی، رقابت‌های انتخاباتی و تحولات ناشی از آن در چارچوب نظام صورت می گیرد و طبعاً اگر کسی در اقدامی غلط، با شکستن این چارچوب وارد رقابت‌های انتخاباتی شود از قواعد صحیح انتخاباتی خارج شده است. . . . کم‌رنگ کردن مرزها، خطایی فاحش است و باعث سردرگمی مردم می‌شود. بنابراین، باید از مخالفان نظام اعلام برائت شود و مرزها کاملاً روشن باشد. . . .

اگر مرزها شفاف نشود، عده‌ای می‌توانند با قصد خیانت و بدون اینکه شناخته شوند وارد چارچوب شوند، ضمن اینکه عده‌ای دیگر نیز بدون آنکه متوجه باشند از مرزها خارج می‌شوند، بنابراین عدم مرزبندی اشتباهی بزرگ است. . . . انتخاباتی که با این ویژگی‌ها انجام شود، بدون شک موجب رضایت و نشاط مردم و پیشرفت کشور خواهد بود. . . . امروز نفس گرم امام راحل عظیم‌الشان در میان ما نیست و حادثه‌ای مانند دفاع مقدس نیز که موجب غیرت و جوشش مردم و جوانان می‌شد، وجود ندارد اما ۳۱ سال پس از پیروزی انقلاب، مردم و بویژه جوانان در کمال پاکی و آراستگی روحی، حماسه بی نظیر ۲۲ بهمن امسال را بوجود می‌آورند و روز بزرگ و فراموش نشدنی نهم دی را می‌آفرینند. . . . مردم، امسال گرم‌تر و متراکم‌تر از هر زمان به میدان شتافتند چرا که احساس خطر کردند و فهمیدند کسانی به بهانه انتخابات و مسائل بعد از آن، بر چهره نظام پنجه می‌کشند و افرادی که گاهی نام امام و انقلاب و نظام اسلامی را هم می‌آورند با حرف و عمل و تحریک، درست نقطه مقابل اهداف نظام ایستاده‌اند. باید مبنای این حضور تعیین کننده ملت یعنی دینداری و اطاعت از خدا را درک کنیم و با خدمت و جدیت بیشتر آن را قدر بشناسیم. مراکزی که عمدتاً به دست صهیونیست‌ها و کمپانی‌های بین‌المللی کنترل می‌شود با همه امکانات به مقابله با نظام اسلامی ادامه می‌دهند و در داخل هم کسانی با تکرار حرف‌های آنان، مورد اعتماد دشمنان قرار می‌گیرند و زمینه ضربه به نظام اسلامی را برای آنان فراهم می‌کنند اما بیداری عظیم و شوق آفرین ملت، ایمان آنان و علاقه‌مندی و پایبندی مردم به مبانی نظام، پشتیبانی پروردگار را به همراه آورده است و ملت و کشور در زمینه‌های مختلف به پیش رفته‌اند. . . .

هر حرفی و هر اقدامی ابتدا باید با وظیفه اصلی یعنی حفظ و تقویت نظام اسلامی سنجیده و سپس بیان یا انجام شود... امام جامع‌الاطراف ما، ماهیت حقیقی آن مساله را درک کرد و به همین علت آنگونه برخورد نمود. در مسایل فرعی اختلاف نظر مهم نیست و قابل حل است اما باید با مرزبندی روشن در مسایل اصلی، صف کسانی که پایبند هویت نظام هستند با کسانی که مخالف دینداری مردمند و با قانون معارضه می‌کنند، مشخص شود. افرادی که حاضر نیستند قانون و رأی اکثریت را قبول کنند و نقطه قوتی همچون انتخابات افتخارآفرین چهل میلیونی را تبدیل به نقطه ضعف می‌کنند، عملاً خود را از این کشتی نجات خارج می‌کنند و صلاحیت حضور در چارچوب نظام اسلامی را از دست می‌دهند که از دست داده‌اند. خبرگان، مجموعه علمای صاحب‌نام و مورداعتماد مردم در همه قضایا به ویژه مساله بسیار مهم انتخاب رهبری و مسایل مربوط به آن هستند.

~~محمود احمدی‌نژاد~~

~~نقش جهانی جمهوری اسلامی*~~

~~... توحید اولین اصل اندیشه و مکتب ملت ایران است یعنی اساس حاکمیت متعلق به خداوند متعال است. معتقدیم که خدای متعال باید حاکم باشد و احکام الهی در عالم جاری شود از این رو سیاست خارجی ایران نیز باید به سمتی حرکت کند که همه زندگی بشریت تحت حاکمیت خدا و فرهنگ الهی اداره شود... از نگاه ایران همه انسان‌ها محترم هستند مگر علیه ارزش‌های الهی طغیان کنند. همه بشریت از حقوق اساسی یکسان و حق زندگی در جامعه سعادت‌مند و سرشار از عدالت و پاکی برخوردار هستند... حتی در شرایطی که طرف مقابل ایران در موضع ضعف قرار داشته باشد حق نداریم به ناسخ موضوعی را علیه آن تحمیل کنیم. در سیاست خارجی صداقت، عدالت و احترام به آحاد انسان‌ها باید مورد توجه جدی باشد.~~

~~جمهوری اسلامی حق ندارد اقدامی را حتی برای دشمنان خود برخلاف عدالت انجام دهد... گسترش عدالت و دوستی یکی دیگر از مبانی سیاست~~

* سخنرانی در جلسه مشترک هیئت دولت با سفرا و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۲ اسفند ۱۳۸۸، برگرفته از گویا نیوز، ۱۳ اسفند ۱۳۷۸.

هر حرفی و هر اقدامی ابتدا باید با وظیفه اصلی یعنی حفظ و تقویت نظام اسلامی سنجیده و سپس بیان یا انجام شود... امام جامع‌الاطراف ما، ماهیت حقیقی آن مساله را درک کرد و به همین علت آنگونه برخورد نمود. در مسایل فرعی اختلاف نظر مهم نیست و قابل حل است اما باید با مرزبندی روشن در مسایل اصلی، صف کسانی که پایبند هویت نظام هستند با کسانی که مخالف دینداری مردمند و با قانون معارضه می‌کنند، مشخص شود. افرادی که حاضر نیستند قانون و رأی اکثریت را قبول کنند و نقطه قوتی همچون انتخابات افتخارآفرین چهل میلیونی را تبدیل به نقطه ضعف می‌کنند، عملاً خود را از این کشتی نجات خارج می‌کنند و صلاحیت حضور در چارچوب نظام اسلامی را از دست می‌دهند که از دست داده‌اند. خبرگان، مجموعه علمای صاحب‌نام و مورداعتماد مردم در همه قضایا به ویژه مساله بسیار مهم انتخاب رهبری و مسایل مربوط به آن هستند.

محمود احمدی‌نژاد

نقش جهانی جمهوری اسلامی*

... توحید اولین اصل اندیشه و مکتب ملت ایران است یعنی اساس حاکمیت متعلق به خداوند متعال است. معتقدیم که خدای متعال باید حاکم باشد و احکام الهی در عالم جاری شود از این رو سیاست خارجی ایران نیز باید به سمتی حرکت کند که همه زندگی بشریت تحت حاکمیت خدا و فرهنگ الهی اداره شود... از نگاه ایران همه انسان‌ها محترم هستند مگر علیه ارزش‌های الهی طغیان کنند. همه بشریت از حقوق اساسی یکسان و حق زندگی در جامعه سعادت‌مند و سرشار از عدالت و پاکی برخوردار هستند... حتی در شرایطی که طرف مقابل ایران در موضع ضعف قرار داشته باشد حق نداریم به ناحق موضوعی را علیه آن تحمیل کنیم. در سیاست خارجی صداقت، عدالت و احترام به آحاد انسان‌ها باید مورد توجه جدی باشد.

جمهوری اسلامی حق ندارد اقدامی را حتی برای دشمنان خود برخلاف عدالت انجام دهد... گسترش عدالت و دوستی یکی دیگر از مبانی سیاست

* سخنرانی در جلسه مشترک هیئت دولت با سفرا و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۲ اسفند ۱۳۸۸، برگرفته از گویا نیوز، ۱۳ اسفند ۱۳۷۸.

خارجی جمهوری اسلامی ایران است و باید حرکت ما بر پایه عشق و محبت انسان‌ها باشد. . . نگاهمان به توافق‌نامه‌هایی که با سایر کشورها صورت می‌گیرد، به خاطر داشتن نفوذ سیاسی نیست بلکه هدف اصلی عشق و محبت به انسانها و رفع نیاز آنها است. . . نباید کسی خیال کند چون دولتمردان آمریکایی در دهه‌های متوالی علیه ملت ایران ظلم کرده اند ما نیز نسبت به مردم آمریکا کینه داریم. ابزار اثرگذاری ملت ایران در محیط بین‌الملل با کشورهای غربی متفاوت است. سفیر جمهوری اسلامی ایران باید اهل معنویت، پاک، عشق و عدالت باشد تا بتواند از فعالیت‌های خود نتیجه مثبت بگیرد. . .

نظام سرمایه‌داری و مادی ملت‌ها را به پرستش بت سرمایه‌داری و پذیرش فرمانروایی خود در دنیا دعوت می‌کند و در مقابل ملت ایران بشریت را به خط نجات بخش امامت و ولایت رهنمون می‌کند و این جزء مزیت‌های کشورمان است. حاکمیت امام و انسان کامل باید به آرمان بلند بشریت در جهان تبدیل شود و این همان چیزی است که باعث محبوبیت ملت ایران در جهان و نفرت انسان‌ها از نظام سرمایه‌داری شده است.

. . . اساس خارجی کشورمان بر ارتقای ارتباطات با دنیا است مگر آنکه برخی کشورها اصرار داشته باشند خودشان را از دایره دوستی و لطف ملت ایران خارج کنند که در این میان البته رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسیم و آن را از اساس جعلی و نامشروع می‌دانیم. نقطه مطلوب، رسیدن انسان‌ها به بالاترین قله‌های علمی است. . . نقطه مطلوب ما رسیدن انسان‌ها به بالاترین قله‌های علمی و فناوری است بنابراین در هر کجای دنیا اگر اقدامی در این راستا انجام شود باید مورد حمایت قرار دهیم البته باید توجه داشت که بردار سیاست خارجی کشورمان فقط به سمت ملت ایران نیست بلکه تعالی و پیشرفت کل بشریت مد نظر است... در هیچ کجای دنیا نباید کوچکترین ظلمی به انسان‌ها مورد تایید قرار گیرد. ملت ایران مدافع همه مظلومین جهان است و ماموریت سفرا این است که با نگاه جامع همه ملت‌ها را زیر چتر الهی بکشاند چرا که امروز جایگاه ایران نمایندگی کل عالم است. . .

روشن است که سیاست خارجی کشورمان در نقطه مقابل غرب قرار دارد و مبانی و منابع اقتدار ملت ایران به کلی با غرب متفاوت است و این چیزی است که همگان با موضوع هسته‌ای آن را کاملاً مشاهده کرده اند. چنین اقتداری نقطه اتکا و اقتدار ملت ایران است. نظام سرمایه‌داری به دنبال حداکثرسازی

سود مادی است اما ما معتقد به اجرای عدالت هستیم. اگر چنانچه اعتقادات و مبانی ارزشی ما با سود مادی تداخل پیدا کند بدون تردید ارزش‌ها ترجیح دارد، ما خواهان امنیت، صلح و دوستی برای همه ملت‌ها هستیم. خلقت عالم بدون حکومت جهانی بی مفهوم است. . . . همه پیامبران به حکومت و انقلاب آخر وعده داده‌اند و امروز باید متوجه بود که در متن انقلاب آخر قرار داریم.

بزرگترین موانع تاریخ در برابر حاکمیت حق در حال اضمحلال هستند و حتی اگر هیچ اقدامی انجام ندهیم و به درستی در موضع خود بایستیم، آنها رفتنی می‌باشند. زمانی که یک اندیشه و تمدن برای پیشبرد اهداف خود در دنیا به سلاح و قدرت نظامی متوسل می‌شود این نشان دهنده آغاز نابودی آن اندیشه است. اگر چنانچه وظیفه خود را به درستی انجام دهیم هر اتفاقی هم بیفتد بدون تردید به نفع آرمان‌ها و ملت ایران خواهد بود. . . . در شرایط جدید، جمهوری اسلامی ایران نقطه تعادل است و هر که با ایران باشد پیروز خواهد بود. . . . رژیم صهیونیستی تنها راه نجات خود و جبران شکست‌های گذشته را از طریق جنگ و حمله به ملت‌ها می‌داند. رژیم صهیونیستی ستون فقرات استیلای نظام سلطه است و به همین دلیل است که نظام سلطه بقای خود را در بقای رژیم صهیونیستی می‌داند و از آن دفاع می‌کند.*

در جمع مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات

. . . . امروز پاکترین دستگاه اطلاعاتی دنیا سیستم اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران است. . . . وزارت اطلاعات باید منسجم‌ترین، هماهنگ‌ترین، مقتدرترین و روان‌ترین تشکیلات کشور باشد. در طول تاریخ تلاش شیاطین در مقابل مجاهدت‌های انبیاء و صالحان بوده و دوره ما اوج نبرد حقیقت انسان با شیاطین است. امروز شیاطین در جبهه استکبار جهانی تجمع و متجلی شده‌اند. . . . فطرت بشر خدایی و آسمانی است و وقتی که اندیشه بشر و ابعاد وجودی او محدود و زمینی شود به ناچار سقوط خواهد کرد.

دمکراسی لیبرال حاصل جنگ قدرت و ثروت است و جبهه‌بندی استکبار

* برگرفته از خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) / کد خبر ۹۹۶۸۵۰

جهانی به سرکردگی آمریکا در برابر انقلاب اسلامی نقطه اوج نبرد جبهه توحید با شیاطین است. جنایاتی که استکبار جهانی در دنیا مرتکب شده است، در طول تاریخ سابقه ندارد؛ امروز سنگین ترین کشتار و اقدامات تروریستی در جهان با بلند کردن پرچم حقوق بشر توسط ایادی آنان صورت می گیرد . . . امروز به فضل الهی نظام سرمایه داری که صهیونیست‌ها آن را پایه ریزی کرده‌اند نیز به پایان راه رسیده است. هجوم دولت آمریکا و لشکرکشی ناتو به منطقه صرفاً برای نجات نظام دموکراسی لیبرال و اندیشه سرمایه داری است. ۱۱ سپتامبر یک دروغ بزرگ و به عنوان بهانه‌ای برای مبارزه با تروریسم، زمینه‌ساز لشکرکشی به افغانستان بوده است.

~~صادق آملی لاریجانی~~

~~پرونده سنگین سران فتنه و دستگاه قضائی*~~

~~... به سران فتنه می‌گوییم دستگاه قضایی به اندازه کافی از شما پرونده دارد و اگر نظام با شما با ملاحظت و ممایشات برخورد می‌کند، آن را حمل بر نفهمیدن و ندانستن نکنید. . . غیر از این که عقل ما را به این معنا رهنمون می‌کند قانون اساسی نیز به روشنی این مطلب را بیان کرده است و در صراحت قانون اساسی در این مورد نمی‌توان تشکیک کرد. عدالت و حقوق به یکدیگر مرتبط هستند و مباحث عدالت و حق در مبانی فلسفی حقوق مباحث بسیار دشوار و مهمی بشمار می‌روند. ما چه حق را اعتباری بدانیم چه غیر اعتباری، قانون اساسی حفظ حقوق عامه، احقاق حق و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع را بر عهده قوه قضائیه گذاشته است. . .~~

~~گفته شده که در طول تاریخ ابتدا پادشاه‌ها دادستان‌هایی را برای خود برمی‌گزیدند. در زمان ما آیا چنین فاصله‌ای بین مدعی‌العموم بودن دولت یا مردم وجود دارد؟ به نظر بنده اگر یک حکومتی مردم‌سالار باشد بر اساس خواست مردم روی کار آمده باشد، نفس این نظام و حکومت از حقوق عمومی است. . . در حکومت‌های مردم‌سالار، دولت‌ها نماینده مردم هستند، اصرار بنده~~

~~جهانی به سرکردگی آمریکا در برابر انقلاب اسلامی نقطه اوج نبرد جبهه توحید با شیاطین است. جنایاتی که استکبار جهانی در دنیا مرتکب شده است، در طول تاریخ سابقه ندارد، امروز سنگین ترین کشتار و اقدامات تروریستی در جهان با بلند کردن پرچم حقوق بشر توسط ایادی آنان صورت می گیرد . . . امروز به فضل الهی نظام سرمایه داری که سهیونیست ها آن را پایدریزی کرده اند نیز به پایان راه رسیده است. هجوم دولت آمریکا و لشکرکشی ناتو به منطقه صرفاً برای نجات نظام دیکتاتوری لیبرال و اندیشه سرمایه داری است. ۱۱ سپتامبر یک دروغ بزرگ و به عنوان بهانه ای برای مبارزه با تروریسم، زمینه ساز لشکرکشی به افغانستان بوده است.~~

صادق آملی لاریجانی

پرونده سنگین سران فتنه و دستگاه قضائی*

. . . به سران فتنه می گویم دستگاه قضایی به اندازه کافی از شما پرونده دارد و اگر نظام با شما با ملامت و مامشات برخورد می کند، آن را حمل بر نفهمیدن و ندانستن نکنید. . . غیر از این که عقل ما را به این معنا رهنمون می کند قانون اساسی نیز به روشنی این مطلب را بیان کرده است و در صراحت قانون اساسی در این مورد نمی توان تشکیک کرد. عدالت و حقوق به یکدیگر مرتبط هستند و مباحث عدالت و حق در مبانی فلسفی حقوق مباحث بسیار دشوار و مهمی بشمار می روند. ما چه حق را اعتباری بدانیم چه غیراعتباری، قانون اساسی حفظ حقوق عامه، احقاق حق و گسترش عدل و آزادی های مشروع را بر عهده قوه قضائیه گذاشته است. . .

گفته شده که در طول تاریخ ابتدا پادشاهها دادستان هایی را برای خود برمی گزیدند. در زمان ما آیا چنین فاصله ای بین مدعی العموم بودن دولت یا مردم وجود دارد؟ به نظر بنده اگر يك حکومتی مردم سالار باشد بر اساس خواست مردم روی کار آمده باشد، نفس این نظام و حکومت از حقوق عمومی است. . . در حکومت های مردم سالار، دولت ها نماینده مردم هستند، اصرار بنده

در طرح این بحث به دلیل وضع موجود خودمان است که به نظر می‌آید بصیرت خاصی را می‌طلبد. همانطور که باید از حق مردم دفاع کنیم باید از حقوق نظام هم دفاع کنیم. در جایی حقوق فردی تضییع می‌شود و باید از حقوق وی دفاع کرد، آیا اگر نظام يك کشور مردم سالار و دینی مورد ظلم قرار بگیرد وظیفه‌ای نداریم؟ دفاع ما از حقوق نظام و حکومت دینی و مردم‌سالار نیاز به استدلال جدید ندارد و تحت عناوین مطرح در قانون اساسی و قوانین موضوعه قابل درج است.

در همین فتنه اخیر کسانی به نظام ظلم کردند و لطمات جبران‌ناپذیری را به نظام وارد کردند البته به حمدالله نظام ما دارای ریشه و قدرتی است که از این ضربات لطمه نمی‌بیند ولی بالاخره تاثیر گذاشته است. کشورهای غربی این موارد را دست‌آویزی به حقوق ملت و کشور قرار دادند. . . کسانی که دختر فراری را فرزند شهید جلوه دادند و برایش مجلس ترحیم به پا کردند، همین سران فتنه بودند که پدر و مادر آن

دختر را شهید اعلام کردند در حالی که این‌گونه نبود. کسانی که بنا را گذاشته بودند که هر روز دروغی را رواج دهند و دولت، قوه قضائیه و نظام را مورد سؤال قرار دهند، چیزهایی را به عنوان تجاوز در بازداشتگاه‌ها مطرح کردند که همه کذب محض بود آیا اشاعه این امر ظلم نیست؟ . . .

مسائل سیاسی پیچیده است و باید بصیرتی را تحصیل کنیم. درست است که نباید حکم قاضی سیاسی باشد و سیاسی کاری هم نکند ولی به این معنا نیست که سیاست را نداند. زیرا موضوع برخی از جرایم، سیاسی است و باید بصیرتی در تشخیص این مسائل به دست آورد. در این جریان اخیر کشورهای غربی چه سوءاستفاده‌هایی که نکرده‌اند. چگونه ما نفهمیم وقتی شما حرفی می‌زنید کشورهای غربی آن را به عنوان به هم ریختگی نظام مطرح می‌کنند. این چه نحو برخورد با نظام است؟ کار شما، کار منافقین اول انقلاب است، همین کار را اول انقلاب انجام می‌دادند و دانشجویان را به خیابان‌ها می‌کشاندند. الحمدلله دانشجویان ما آگاه و دلسوز نظام و انقلاب هستند و شاید برخی مواقع در موضوع اشتباه کنند ولی این چه فهم و بصیرتی است که ۳۰ سال پیش از انقلاب به دانشجوی می‌گویند اگر ۱۶ آذر نشد ۱۷ و ۱۸ آذر ... اینها خلاف امنیت کشور و از جرائم مسلم است. . .

در مقام قضا سیاسی کاری نکنید، از کسی خوف نداشته باشید و هیچ

وقت عزت خود را به کسی نفروشید اما در عین حال منافات ندارد که خودتان به این بصیرت برسید که اگر کسی در روزگار ما در امنیت کشور اخلاص می‌کند برخورد کنید. تظاهراتی که اینها می‌کردند و مردم را به خیابان می‌کشیدند، اگر می‌خواستند نظام ولایت فقیه را تغییر ندهند شک نکنید این کار را انجام می‌دادند، افرادی که از سران فتنه جلوتر می‌روند شعارشان مشخص است که در این مراسم‌ها جمهوری اسلامی به جمهوری ایرانی تبدیل شد و شعارهای اصیل انقلاب به شعارهای دیگری تبدیل شد. . . روابط سیاسی پیچیده و امنیت کشور بسیار مهم است. جرائم انواع متعددی دارد که یکی از آنها سبب اخلاص در امنیت اجتماعی مردم می‌شود، متأسفانه ما این جرایم را داریم، مانند قضیه تجاوز به عنف و سرقت‌های مسلحانه. . . گاهی با يك شبهات دایره تعقیب را رها نکنیم، گاهی تشکیکات در جرائم موجب نشود که به جرائم مهم توجه نکنیم و فضای کشور را ناامن کنیم. نمی‌خواهم بزرگ نمایی کنم ولی اندک این حوادث موجب سلب آسایش می‌شود. مصادیق باید به اندازه‌ای کم شود که مردم احساس آرامش کنند. نیروی انتظامی به عنوان رابط و دادستان‌ها و دادگاه‌ها با هم همکاری کنند که توقع مردم نیز همین است و کوتاهی نابخشودنی است.

~~محمد علی جعفری~~

~~در وظائف پاسداران و بسیجیان در مقابل با دشمنان انقلاب~~

~~ایجاد شبهه در انتخابات، اجرای دستورالعمل‌هایی بود که در لابراتوارهای جاسوسی و ضدانقلابی در خارج از کشور طراحی شده بود و عده‌ای هم در داخل کشور اجرای آن را بر عهده داشتند. . . ملت ایران در این عرصه به شکل مشخص مخالفت خود را با فقر، فساد، تبعیض و بی‌عدالتی اعلام کرد. سنت الهی بر این است که مومنان را در معرض آزمون‌های دشوار قرار دهد و حماسه ۲۲ خرداد آزمایش بزرگ الهی بود که ملت ایران از این آزمون پیروز و سرافراز بیرون آمدند.~~

~~پاره می‌کنند. اصلاً نباید سر و صدای آن را بلند می‌کردید.~~
~~این که این همه سر و صدا کنید و مردم را به راهپیمایی وادار کنید،~~
~~اینها کارهای موقت است و پیدا است که از اسم ایشان می‌خواهید استفاده ابزاری~~
~~کنید. وگرنه اگر شما دلسوز ایشان بودید اصلاً نباید عکس‌العمل نشان می‌دادید،~~
~~این کار اشتباه است. البته ما معصوم نیستیم و اشتباه داریم اما باید مسئولین و~~
~~بزرگان دقت کنند که از این گونه کارهای اشتباه انجام ندهند. . .~~
~~بنابراین مردم باید آزاد باشند و حرفشان را بزنند. از اول انقلاب مرحوم~~
~~امام می‌گفتند و ما هم بد طبع ایشان می‌گفتیم: "استقلال، آزادی، جمهوری~~
~~اسلامی." آزادی یعنی مردم آزاد باشند، نه این که دولت آزاد باشد هر کاری~~
~~دلش خواست انجام دهد اما مردم نتوانند حرفشان را بزنند.~~

~~... کار اشتباه را از هر کجا برگردید به نفع است. آمده‌اید انسان‌های~~
~~متدین و کسانی که در انقلاب بودند و قلمشان و سخن‌شان در راه انقلاب بود~~
~~زندان کرده‌اید بعد می‌گویید باید تمهید بدهید، مصاحبه کنید. ما روایات زیادی~~
~~داریم که این مصاحبه‌ها ارزش ندارد.~~
~~من بارها عرض کرده‌ام. آقایانی که می‌گویند "حفظ نظام واجب است"~~
~~حفظ نظام از واجبات نفسی نیست بلکه حفظ نظام و جوب مقدمی دارد. حفظ~~
~~نظام برای این است که در سایه نظام دستورات اسلام را اجرا کنیم، نه این که~~
~~دستورات اسلام را زیر پا بگذاریم بد اسم حفظ نظام.*~~

عبدالله نوری

مروری بر کارنامه جمهوری اسلامی*

یک واقعیت در جهان امروز است که آمریکا بیشترین نفوذ را در سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی مثل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی و بانک جهانی دارد، علاوه بر آن می‌تواند بر تصمیم‌گیری اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف جهان حتی ژاپن و کشورهای همسایه ایران در شرق و غرب و شمال

* برگرفته از عبدالله نوری، شوکران اصلاح، دفاعیات عبدالله نوری، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸.

اثر بگذارد. . . آمریکا در میان کشورهای جهان دارای بیشترین تولید است. به طوری که به تنهایی تولید آن بیش از ۲۵ درصد تولید جهان است. کشور آمریکا به اندازه ۱۳ کشور مهم اروپایی تولید دارد. این کشور مهمترین تولید و صادر کننده غلات است. شرکت‌های نفتی آمریکایی در میان سایر شرکت‌های نفتی دنیا از نظر سرمایه و از نظر فن‌آوری در حد بسیار بالایی هستند. این کشور توانسته است کشورهای آسیای میانه را متقاعد کند که منابع نفت و گاز خود را از مسیری که آنها می‌خواهند عبور دهند. . . .

آمار بازرگانی خارجی ایران نشان می‌دهد که آلمان، ایتالیا، ژاپن، آرژانتین، بلژیک، کره جنوبی، امارات متحده عربی، انگلستان و فرانسه بزرگترین شرکای تجاری ایران هستند که هر کدام از این کشورها خود، متحد آمریکا هستند و از نظر سیاست‌ها و ماهیت اقتصادی تفاوت چندانی با آمریکا ندارند. در دنیای پر رقابت امروز کشورهایی که در روابط خارجی خود کمترین تنش را داشته‌اند، توانسته‌اند بیشترین موجبات توسعه را برای خود فراهم آورند و این بدین معنا نیست که به هنگام خطرات تهدیدآمیز نظامی، از مصالح و منافع و حیات مردم خود دفاع نکنیم. لیکن در شرایط عادی و متعارف، یک دیپلماسی فعال حکم می‌کند تا برخوردهای نظامی را به سوی مناقشه سیاسی تغییر مسیر داده و درگیری‌های سیاسی را به تنش‌زدایی و تفاهم در روابط سالم سیاسی سوق دهیم تا از این رهگذر امکانات بالقوه و بالفعل کشور را در خدمت رشد و سازندگی به کار گیریم. . . . (صص ۱۳۲-۱۳۱)

اندیشمندان حوزه سیاست و اقتصاد به خوبی واقفند که اگر روابط کشوری در جهان مبتنی بر درگیری و تشنج باشد سرمایه‌گذاران خارجی به هیچ وجه سرمایه خود را به خطر نمی‌اندازند و کشور در معرض درگیری را محل امنی برای سرمایه‌گذاری انتخاب نمی‌کنند. زیرا سرمایه مجرد از تعلقش به هر کسی طالب جایگاه امن و امان است. . . . نیروهای فعال و جوان کشورهای درگیر و متشنج که خواب آرام ندارند، در جستجوی کار برای گذران زندگی به سوی بازار کار در هر جا که باشد روانه می‌شوند. . . . آیا وجود بیش از ۱۲ هزار پرونده مهاجرت در سفارتخانه یکی از کشورها و خروج هزاران کارشناس ارشد حسابداری و متخصص کامپیوتر و پزشک و مهندس مجرب از کشور و ثبت بیش از ۲۰۰۰ شرکت همسایه در یکی از کشورهای همسایه جنوبی و از همه مهمتر فرار بهترین مغزهای کشور و حائزین رتبه‌های اول تا سوم در

المپیادهای جهانی و جذب آنان در کشورهای سرمایه داری یا منطقه زنگ خطر جدی نیست؟ اگر سیاست خارجی ما اجازه می‌داد که سرمایه بیشتری جذب شود و زمینه رفع تشنج بیشتری فراهم شود، فرصت‌های شغلی بسیاری برای قشر عظیم و کار آمد فراهم می‌شد. بنابر این در ارزیابی و محاسبه هزینه و فایده در سیاست خارجی می‌بایست همه جوانب، ملاحظات و مصالح کشور و مردم را مراعات کرد و بدانیم که امر رقابت در دنیای فعلی آنچنان است که اگر نتوانیم در میدان رقابت بمانیم، مطمئناً امنیت ملی و اعتبار و منزلت ما به مخاطره خواهد افتاد.

وقت آن است که با توجه به قابلیت‌های ایران و واقعیت‌های جهانی و امکانات منطقه‌ای به طراحی یک سیاست زیر بنایی (استراتژیک) و دقیق بپردازیم. این طراحی مسلماً متضمن مطالعه بر روی مذاکره یا سطح رابطه با قدرت‌های مختلف جهانی و منطقه‌ای خواهد بود. تخطئه متفکران و صاحب‌نظران خط قرمز کشیدن دور مسائلی که به منافع ملی مردم این سرزمین و نسل‌های آینده شان مربوط می‌شود و به اتاق‌های در بسته کشاندن چنین بحث‌هایی یا تنزل آنها به سلايق شخصی تبعات فراوانی ملی در پی خواهد داشت. . . .

راستی اگر چند صباحی دیگر تصمیم بر مذاکره و رابطه گرفتیم با این نوع مواضع غیرمنطقی کنونی در آن زمان مردم را چگونه توجیه می‌کنیم؟ . . علاوه بر نسل‌های آینده و چشم تیزبین تاریخ که درباره ما داوری خواهد کرد تمامی ما در برابر وجدانمان و در محضر الهی مسئولیم که سرمایه‌های موجودمان را چگونه مصرف کردیم؟ بر اساس خرد، حکمت، تدبیر و شعور و یا بر پایه منویات شخصی، سلايق گروهی، احساسات بی‌پایه و بی‌ثمر؟! (ص ۱۳۳-۱۳۵) . . .

رویارویی موجود در جامعه نشان می‌دهد که در عرصه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و مردم دو نگاه متضاد وجود دارد. در سویی از این منازعه جماعتی اندک‌شمار اما افزون طلب قرار دارند که در فلسفه حکومتی خود برای مردم و تأمین آزادی‌های مشروع آنها موضوعیتی قائل نیستند بلکه آحاد ملت را به عنوان سپاهيانی که می‌بایست طریق حکمرانی آنان را هموار کنند می‌انگارند. از نگاه این جماعت آزادی‌های مشروع نیز تنها در چارچوب منافع حاکمیت باید تفسیر شود. . . . در سوی دیگر این منازعه کسانی قرار دارند که

مردم را موضوع اصلی زیست اجتماعی می‌دانند و به حکومت به عنوان ابزاری برای تأمین زندگانی و حیات مردم می‌نگرند، از نگاه این جماعت حکومت تا آن زمان مشروعیت دارد که در جهت تأمین حقوق مردم گام بر می‌دارد و به هر اندازه از خواست مردم فاصله گرفت به همان اندازه مشروعیت خود را از دست می‌دهد و بر این اساس مشروعیت حکومت تناسب مستقیم با مقبولیت عامه مردم دارد. . . یعنی نه تنها حکومت، که عالم هستی نیز برای خدمت و رفاه بشر آفریده شده. نسبت حکومت و ملت نیز همین است، بنابر این حکومت برای تأمین مصالح مردم بوده و وسیله احقاق حقوق مردم می باشد. هدف از ارسال رسل و انزال کتب، حکومت کردن گروهی از آدمیان بر بقیه مردم نیست، هدف اجرای عدالت و قسط و احقاق حق مردم و دفع باطل است. . .

بنابر این حکومت دینی خود را اصل و ملت را فرع نمی‌داند، بلکه احقاق حقوق مردم را اصل و خود را در چارچوب اراده ملت، وسیله تحقق آن می‌داند. آنچه اصلت دارد آرای مردم و مصالح آنهاست. . . هر چه حکومت و حاکمان جایگاه خود را نیکوتر در یابند و طریقت خویش را نگهبان باشند به عدالت نزدیک تر می‌شوند. در این دیدگاه حکومت مشروعیت خود را از رأی مردم می‌گیرد و مستقل از رأی مردم فاقد مشروعیت حکمرانی است. رأی مردم مؤسس است و اصلت دارد و چون مردم موضوعیت دارند، اگر کسانی به آزادی و حقوق مسلم آنها تعرض کرده، حتی اگر در پوشش وضع قانون باشد باید از آنها جلوگیری شود. . . (صفحه ۲۵۲-۲۵۰)

نگاهی که بر کیفر خواست حاکم است از قرائتی بهره می‌گیرد که حکومت را اصل و حق می‌داند و با همین تفکر، حقانیت و مشروعیت نظام را در انظار عمومی چه داخل کشور و چه در منظر جهانی با خطری مهلک و جدی مواجه می‌سازد. حال آن که در جهان امروز دفاع از نظام جمهوری اسلامی نیاز به قرائتی تازه و جدی از منظر حق حاکمیت ملی دارد. (صفحه ۲۵۴)

. . . . امروز اصلاح‌گری تنها راه نجات ایران است. اصلاح‌گری به سود همه حتی به نفع مخالفان آن نیز هست، چون با این روش همه در عرصه سیاسی می‌مانند و اقتدار نظام در گسترش دموکراسی است و نه در سرکوب آن. در تاریخ دنیا هم کشورهای که دموکراسی و آزادی انتقاد و اعتراض را گسترش داده اند، ماندگارتر و نیرومندتر بوده‌اند تا آنان که کم‌ظرفیتی نشان داده و مخالفان خود را از سر راه بر داشته‌اند. (صفحه ۲۵۹) . . .

ولایت مطلقه فقیه به منظور اختیارات بی حد و مرز نیست. (همانگونه که اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی بر آن تکیه دارد). . . . ولی فقیه محکوم قوانین کشور است. (این نکته بر خواسته از ذیل اصل ۱۰۷ و نیز اصل ۱۹ قانون اساسی بوده) و لازمه آن بطلان دیدگاهی است که ولایت مطلقه فقیه را مقامی فوق قانون می‌داند و یا مشروعیت تمامی نهادهای نظام را منبعت از ولایت فقیه می‌پندارد. (ص ۳۱۶) . . .

ولی فقیه نمی‌تواند در منطقه ممنوعه قوانین عمل و اقدام کند این نکته نیز از بدیهات حقوقی هر نظام قانونی است و واضح است که هیچ مقامی از جمله رهبر نمی‌تواند در منطقه ممنوعه قوانین عمل و اقدام بکند، لذا اموری از حوزه عمومی و سیاسی که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی پیش‌بینی نشده است منطقه ممنوعه است و رهبر نمی‌تواند خارج از این محدوده عمل و اقدام نماید. به بیان ساده‌تر اراده رهبر تنها در مجاری مجاز قانونی متبع، مطاع و نافذ است و هر گونه دخالت وی خارج از مجاری یاد شده تخلف از قانون اساسی . . . است و می‌باید از سوی مجلس خبرگان رهبری مورد سؤال قرار گیرد. (صص ۳۱۶-۳۱۷).

به زعم اینجانب متن کیفر خواست و متن حکم، علیه آزادی بیان و اندیشه صادر شده است، زیرا مراد از آزادی بیان، آزادی بیان موافق قدرتمندان و حاکمان نیست بلکه منظور از آن طرح دیدگاه‌های موافق و مخالف (حتی اگر ناصواب باشد) در موضوعات گوناگون فکری و سیاسی است، به خصوص اگر این موضوعات مرتبط با سرنوشت جامعه باشد. اما متن کیفر خواست و حکم صادره، آراء و دیدگاه‌های مخالف را جرم پنداشته است. بنابر این هیچ کس حق ندارد سخنی جز در موافقت بگوید و اگر کلامی مخالف بر زبان یا قلم راند باید مجازات شود. (صفحه ۳۳۲) . . .

علی‌الظاهر در جامعه ما به دلیل تحمیل و اجبار، بی‌توجهی به دین در حال گسترش است و در کشورهایی که با آزادی بیشتری با دین برخورد می‌کنند توجه به دین روزافزون است. حتی در کشورهایی مانند ترکیه که دارای حکومت لائیک است و در جهت دین‌زدائی از طریق گوناگون و گسترده تلاش شده است، اکنون توجه دگران‌دیشان به دین رو به گسترش است. (ص ۳۲۷)

آیا قطع رابطه با یک کشور در هر شرایطی ارزش است؟ آیا شعار مرگ

بر این کشور و آن کشور یک ارزش دینی است یا تقویت کردن قدرت تولید و قطع وابستگی؟ آیا ایجاد امنیت اقتصادی و حل مشکل بیکاری، تورم، بی‌ثباتی پول ملی و معضلات معیشتی مردم ارزش است؟ یا پیش گرفتن سیاست‌های احساسی، مطالعه نشده، شعاری، غیرعلمی و در مجموع گسترش زمینه‌های ناامنی و از سرمایه سفره زیرزمینی ارتزاق کردن؟ اکتفا به شعارهایی از قبیل مرگ بر آمریکا تاکنون چه فایده دینی یا دنیوی برای ملت ما داشته؟ آیا اقتصاد ما را آباد کرده است یا سیاست ملی و فرهنگ ما را غنی‌تر ساخته؟ . . .

میزان استقلال سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یک کشور شاخص‌های مشخص فنی و علمی دارد، صرف شعار و اقعیت عقب‌افتادگی و توسعه‌نیافتگی را حل نمی‌کند. تحقق هدف متعالی استقلال نیازمند تدبیر، بصیرت، شعور و برنامه‌ریزی است. به عمل کار برآید به سخندانی نیست. با شیوه حرف درمانی و شعارمداری نمی‌توان بیماری مزمن وابستگی و عقب‌افتادگی اقتصادی و انفعال فرهنگی و توسعه نیافتگی سیاسی را مداوا کرد. . . . راستی فرق شعار مرگ بر آمریکا با مرگ بر شوروی و مرگ بر انگلیس که روزی لغو شد چیست؟ اگر ملت‌ها به عنوان مقابله با دولت ایران شعار مرگ و نابودی سر دهند و به مقدسات و اعتقادات ما توهین روا دارند پسندیده است؟ (صص ۳۳۳-۳۲۳) . . . در عرصه عمومی، قوانین بشری و تصمیم‌گیری اگر مردم امری را مشروع ندانند، آن امر فاقد مشروعیت است. قضاوتی که با افکار عمومی تعارض داشته باشد نه تنها نا مشروع است، بلکه به اختلال اجتماعی منتهی می‌شود و این امر بر خلاف امنیت ملی و مصالح عمومی است. . . . عدالت مفهومی است که در ارتباط اجتماعی شکل می‌گیرد و باید دائماً خود را با درک عمومی از آن انطباق دهد. آری می‌تواند درک عدالت خواهانه یک جامعه توسعه و فراخی یابد اما باید این امر حتماً به وصف اجتماعی و بین‌الادّهانی سامان یابد و الا هر نهادی بنا بر تعریف خود، قضاوت و داوری خود را می‌تواند عادلانه بشمارد و گوش خود را بر اعتراض عمومی و جمعی ببند که نفس این عمل خود از رفتاری غیر عادلانه و تصویری معوج از عدالت خبر می‌دهد. (صص ۲۳۶-۲۳۵)

بررسی و نقد کتاب

رسول نفیسی*

تأثیر اندیشه‌های الحادی ایرانیان و اعراب بر سنت ادبی اروپا

Fateme Chehregosha Azinfar

Atheism in the Medieval Islamic and European World

*The Influence of Persian and Arabic Ideas of Doubt and Skepticism
on Medieval European Literary Thought*

Bethesda MD, IBEX Publishers, 2008

272 pp.

فاطمه چهرگانی آذین‌فر، در کتاب خود درباره تأثیر ایده‌های الحاد و تشکیک ایرانیان و اعراب در سنت ادبی اروپا، طرحی بزرگ در انداخته و با بهره‌جوئی از روش «ساختارشکن» در تحلیل ادبیات قرون وسطی به بازخوانی متون گوناگون درباره

* رئیس سابق و استاد دانشکده هنرها و علوم دانشگاه استریر ویرجینیا.

تفکر الحادی در شرق پرداخته و تأثیر آن را بر ادبیات و تفکر غربی بررسی کرده است. به نظر مؤلف، از آنجا که تفکر فلسفی گاهگاه دچار مذهب زدگی شده، تنهادر متن های ادبی است که می توان جای پای محتاطانه تفکر الحادی و آزاد را جستجو کرد. تمدن های ایرانی - عربی - هندی که در مقابل با تفکر جامعه ادیان ابراهیمی قرار گرفته بودند، به تدریج با وارد کردن افکار الحادی در ادبیات فضای آزاد فکری را گشودند و، با تأکید بر شأن و حرمت آدمیان، رشد فردیت و استقلال و خودمحوری انسان را بر جای عبودیت الهی نشانند.

نخستین اثر مورد بررسی آذین فر کتاب *مابعدالطبیعه* ارسطو است. به اعتقاد وی این اثر در اصل یونانی خود «فلسفه اولی» بوده و ارسطو در آن به اثبات این نکته تلاش کرده که تصور وجود الهی در نهایت به دور باطل منجر می شود و در نتیجه از لحاظ منطقی تصویری باطل است. از همین رو، کائنات را باید خودمحور شمرد. متفکران مسیحی در قرون وسطی با افزودن فصلی به این کتاب، از آن به عنوان سندی برای اثبات ذات باری یاری می جستند. در *مابعدالطبیعه* ارسطو «امکان» و «واقعیت» تلاقی می کنند، و در نتیجه الهیات مسیحی به اثبات وجود خدا می پردازد. با دور شدن فلسفه از نظریه عقلانی ارسطویی و اختلاط آن با مذهب، ادبیات تنها راه برای تبیین آزادی فرد، و رد تلویحی گناه مذهبی از راه اشارات الحادی است.

نویسنده آن گاه به بررسی ادبیاتی که آن را «ادبیات ما» می نامد می پردازد و می نویسد که با توجه به جریان رشد سنت ادبی می توان دریافت که رشد تفکر جریانانی متفاوت از خلق و رشد اندیشه های تازه نیست، بلکه روندی است بر اساس مفهوم «بازگشت» و «بازگویی». هزار و یک شب دومین کتابی است که آذین فر به بررسی آن می پردازد. با توسل به روش ساختار شکنانه، وی ضمن نقد تصور متداول درباره این اثر، می گوید برخلاف تصور عمومی، داستان های هزار و یک شب تنها اسیر تفکر مذهبی نیست، بلکه متنی است آکنده از شک و الحاد و بی اعتمادی به لطف خدا. آنچه از زبان حیوان و انسان در کتاب می آید به ظاهر الهی است و در باطن الحادی. شهرزاد، قهرمان اصلی کتاب که برای حفظ جاننش به هزار و یکشب افسانه گوئی و داستان سرائی پرداخته است، در داستان هایش به نفی معصومیت انسان در اصل خلقت اشاره می کند. او عصمت را روی دیگر سکه گناه می داند و می گوید هیچ یک از این دو خصلت بی دیگری

بی‌معناست. از آن گذشته، گناهی که بشر ناخواسته مرتکب شود نایستی قابل کیفر باشد زیرا علم به خلاف بودن عمل است که مرتکب را سزاوار جزا می‌کند. نتیجه آن که، آدم و حوا نمی‌بایستی دچار غضب الهی می‌شدند، چه از معصیت کار خود آگاه نبوده‌اند.

در هزار و یکشب خدا نه تنها رحمان و رحیم نیست بلکه از روی هوا وهوس و بی‌هیچ منطق و نظمی به تنبیه و تعزیر آدمیان می‌پردازد. آذین‌فر می‌نویسد «جهان بارور و درهمان حال غیراخلاقی شهرزاد، در برابر جهان آشوبزده و بی‌قانون خدای اسلام قرار دارد.» به عنوان نمونه، این روایت که مرغابی در آستانه مرگی ناروا آیاتی از قرآن قرائت می‌کند از نظر آذین‌فر طعنه‌آمیز و الحادی است، چه این کار او را از مرگ حتمی نجات نمی‌دهد. در داستان دیگری کبوتران برای روزی خود خدا را شکر می‌کنند، اما با مرگ پیرمردی که غذارسان آنان است گرسنه و پراکنده می‌شوند. به اعتقاد آذین‌فر منظور شهرزاد از روایت این قصه این بوده است که نه خدا، بلکه آدمیان مسئول سرنوشت خویش‌اند. در داستانی دیگر، روباه هنگام گذاشتن دام برای گرگ به ذکر نام خدا می‌پردازد، و گرگ نیز، برای به رحم آوردن دل روباه و رهائی از تله این آیه معروف قرآن را می‌خواند که "حفظ یک نفس چونان حفظ جان همه آدمیان است." در باور آذین‌فر، پیام شهرزاد مشخص است: به جای دربیوزگی لطف و رحمت از خدا، باید به خود، به انسان، ایمان داشت و قابلیت‌هایش را فراموش نکرد.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به مقابله داستان ویس و رامین فخرالدین گرگانی با «حماسه [آواز] رولان» می‌پردازد و دومی را ملهم از داستان اول می‌داند. به نظر آذین‌فر این کتاب هم برخلاف تصور عمومی، کتابی آکنده از الحاد است و در آن، مانند ویس و رامین، عشق شوالیه‌ای (courtly love) جای لطف خدا را می‌گیرد. آذین‌فر معتقد است که ویس و رامین را باید نخستین نمونه «شعر داستانی» (narrative poem) شمرد و کتاب *تریستان* و *ایزوت* را نیز چون حماسه رولان ملهم از سبک و سیاق ویس و رامین و اندیشه‌های الحادگرانه آن دانست. آذین‌فر معتقد است که ایرانیان عشق بین آدمیان و عشق زمینی را جانشین عشق آسمانی و الهی کردند. چنین رویکردی در کتاب حماسه رولان نیز به چشم می‌خورد. نهایت آن که درون مایه کتاب حماسه رولان - که عنایتی به قوانین جزمی الهی ندارد - «تغییر» و «ترقی»

است که بن‌مایه‌های تجدد به شمار می‌روند. به نظر آذین‌فر، بسیاری دیگر از مؤلفان قرون وسطا نظیر چاسر (Chaucer) و دانته نیز متأثر و ملهم از پاره‌ای از داستان‌های ایرانی - عربی نظیر ویس و رامین‌اند.

آذین‌فر، سرانجام، به این نکته اشاره می‌کند که بشر هنوز به مدرنیته ایده‌آل دست نیافته است زیرا تفکر فلسفی مذهب‌گرا، منشاء اعتقادات جزمی و عبادی و در نتیجه مانع تحقق آزادی کامل اندیشه و بالندگی فردیت انسان بوده است. در باور نویسنده تنها درعالم ادبیات است که شرقی‌ها و در نهایت نویسندگان غربی با غنای خیال خود جهانی زیبا درافکنده‌اند که در آن به جای عشق تعبدی به خدا، عشق به انسان حکومت می‌کند که سرچشمه آزادی و فردیت و تجدد است.

کوشش آذین‌فر در بررسی و تشریح پایه‌های تفکر شکاک و الحادی غرب در ادبیات ایرانی - عربی پیگیر و گسترده است. با این همه، نویسنده کتاب برای برخی از پرسش‌های مقدر پاسخی ارائه نمی‌کند. نخست این که، چرا نویسنده از متون به زبان اصلی آنها استفاده نکرده و به ترجمه‌ها بسنده کرده است؟ به عنوان نمونه متن مورد استفاده آذین‌فر از کتاب هزار و یکشب، ترجمه معرف ریچارد برتون در قرن نوزدهم است. برتون از خود براین کتاب افزوده، و از نسخه‌های اغلب نادر شامی و مصری سود جسته که از دید بسیاری از محققان دور مانده‌اند. در واقع، ترجمه برتون یکی از عوامل عمده ایجاد شکل کاذب شرقی - ایرانی در ذهن غربیان شد زیرا شرقیان در این ترجمه به عنوان مردمانی بلهوس، جبار، خوش‌گذران و غلام‌باره معرفی می‌شوند.

دوم اینکه، خوانش عرفی - عقلانی که مؤلف کتاب خود را به آن متعهد می‌داند چه بسا که در خواندن متون قرون وسطای اسلامی و غربی دچار مشکلات و کج‌فهمی‌های عمده شود و چون «زمینه»ی آن آثار مورد توجه قرار نمی‌گیرد، قرائت جدید ممکن است با خوانش انتقادی مبتنی بر تفکر امروزی اصولاً ذات و پیام آن کتاب‌ها را متفاوت ارزیابی کند. به عنوان نمونه، هزار و یک شب که متنی در طعن و طنز و نفی مذهب از نظر آذین‌فر قلمداد شده است، به نظر خوانندگان شرقی آن در چند سده اخیر متنی است خدامحور. آنچه نویسنده الحادی می‌یابد، در نظر خواننده شرقی کاملاً سازگار با اعتقادات دینی مردمان است: کتاب بر این اساس قضا و قدر استوار است. ذهن ما از فهم نیت الهی قاصر است: سبحان الله یخلق ما یشاء و هو علی کلی شئی، قدیر (قرآن. سوره نور - آیه ۴۵)

این جهان‌بینی مبتنی بر مشیت الهی و قضا و قدر به نظر خواننده‌ای که سعی در خوانش «عرفی و عقلانی» از متون قرون پیشین دارد «آشوب‌زده و بی‌قانون» جلوه می‌کند، که ممکن است چنین هم باشد. اما ملحدانه نیست، زیرا در این بینش در هر امری از امور جهان مشیت الهی دخیل است. بنابراین، هنگامی که قربانی یک حادثه ظالمانه درست قبل از وقوع آن یاد خدا می‌کند، منظور نویسنده آن سطور این نبوده است که «یاد خدا باعث هلاک گوینده شد» بلکه این روال سخن معمول آن زمان و تفکر و گویش حاکم بوده است و اقرار به اینکه ذهن ما از درک مشیت الهی عاجز است و تمشیت امور جهان در دست اوست و نه ما. همین مشکل را ما در تحلیل آذین‌فر از عدالت مشاهده می‌کنیم (ص ۸۸). این برداشت از عدالت، با مفهوم آن در قرون پیشین جوامع اسلامی بوده است یکسره متفاوت است. عدالت خدامحور است و مشیت او عین عدالت است و از حوزه فهم ما فراتر و برتر. همچنین است تاکید آذین‌فر بر مفهوم «گناه ازلی» در اسلام، که شاید چندان روائی نداشته باشد، از آنجا که این مفهوم هرچند در ادبیات عرفانی کم و بیش جلوه می‌کند، ولی حوزه اصلی آن سنت یهودی - مسیحی است تا اسلامی.

سوم این که تأثیر یک یا دو کتاب شرقی در متحول ساختن برخی ویژگی‌های تمدن غرب را نمی‌توان با رویدادهای درونی این تمدن قابل مقایسه دانست. تحولات عظیمی را که در درون صومعه‌ها و توسط رهبانان سخت‌کوش که آثار باستانی و کتب دوران روم و یونان را واکاوی می‌کردند، نمی‌توان انکار کرد. به عنوان نمونه، مجموعه قوانین امپراطوری روم را در قرن یازدهم همین راهبان بازیابی و بازخوانی کردند. اما بی‌شک بازیابی و بازخوانی فلسفه یونان را غربیان عمدتاً مدیون فلسفه ابن‌سینا هستند (هرچند آذین‌فر نامی از او نبرده و تنها به آوردن نام ابن‌رشد اکتفا کرده حال آنکه این فیلسوف عمدتاً حاشیه‌نویس بر فلسفه ابن‌سیناست). افزون بر این، بحران‌های ناشی از جنگ و عوامل طبیعی نیز نقش عمده در رونق تفکر غیرمذهبی یا الحادی در آن قاره داشته‌اند. وبای بزرگی که یک سوم جمعیت اروپا را هلاک کرد به احتمال بسیار از عوامل ایجاد شک و تردید در بنیادهای دینی بود. مسیحیان خود را مستوجب چنین عقوبتی نمی‌دانستند و از همین رو، گرایش به شادخواری و برای امروز زیستن و به سخن دیگر زندگی لائیک را مرجح دانستند تا حدود زیادی حاصل این بحران بود. آذین‌فر، اما، برخلاف نظر تاریخ‌نگاران اروپایی، این رویداد تاریخی را